

جامع احادیث شیعه

امتیازها و ضعف‌ها و روش استفاده از آن

محمد تبریزی

چکیده: «جامع احادیث شیعه» مجموعه حدیثی ارزشمندی است که با ابتکار و نظارت آیت‌الله بروجردی (قده) و به کوشش بیست تن از شاگردان ایشان به ویژه آیت‌الله معزی ملابری (قده) تألیف شد و گردآوری آن بر اساس اندیشه‌ها و دقت‌های اصولی شکل گرفت و از مسامحه‌های خاص اخباریگری به دور ماند. با این حال، پس از رحلت آیت‌الله بروجردی مورد بی‌مهری قرار گرفت. همین مسئله انگیزه نگارش این نوشتار را پدید آورد تا با تبیین ویژگی‌های شگرف و امتیازات فراوان و روش کار و بهره‌گیری از آن، قدمی در معرفی این اثر بزرگ برداریم و با شمارش موارد ضعف و کاستی، زمینه‌بستگی هرچه بیشتر را فراهم سازیم و البته در این نوشتار از بیان تاریخچه نگارش و زحماتی که آیت‌الله بروجردی و شاگردان ایشان در تألیف و تحقیق آن داشتند، غافل نبوده‌ایم.

کلید واژه‌ها: آیت‌الله بروجردی، جوامع حدیثی، جامع احادیث شیعه، دقت اصولی، جامعیت.

۱. نگارش مجموعه های حدیثی

و قال امیر المؤمنین (ع) من مات ومیراثه الدفاتر والمحابر
وجبت له الجنة،^۱
کسی که دفترها و مرکبها میراث بعد از او باشند، بهشت بر
او واجب می شود.

این حدیث و ده ها و بلکه صدها حدیث مانند آن، که مداد علما را تا اوجی
بالتر از خون شهدا می برد، کافی بود تا شاگردان ائمه (ع) را به نگارش و ضبط
احادیث و ادارد و البته اصول چهارصدگانه و مصنفات فراوان گواه روشنی بر این
واقعیت است. این اصول و کتب به اندازه ای از کثرت و فراوانی برخوردار بودند که
افرادی مانند نجاشی و شیخ (قده) را به نگارش کتاب های رجالی و فهرست وادارند.
نگارش اصول و کتب حدیثی در دوره های آغازین، اغلب خالی از هر نوع
تبویب منظم و فقهی بود. از سوی دیگر، نگارش و تدوین احادیث، به مرور
زمان توسعه یافت و همراه و همدوش توسعه علوم اسلامی و افزایش مشتاقان
معارف ناب محمدی (ص) که از غیر خانه اهل بیت او (ع) ساطع نبود، نیاز به
تدوین مجموعه های کامل تری داشت که تحقیق و بررسی احادیث را سهل تر
گرداند و آنها را در دسترس قرار دهد؛ زیرا پرواضح است که مراجعه به
چهارصد اصل برای یافتن تمام احادیث مربوط به یک فرع فقهی، کاری بس
دشوار و چه بسا نشدنی است.

نتیجه این خیزش علمی، ظهور کلینی (قده) (وفات ۳۲۹ ق) بود که کتاب
کافی را پدید آورد. شکوه کافی در تبویب منظم، بدیع و خیره کننده آن بر اساس
مسائل فقهی از یک سو و اعتبار روایاتش از سوی دیگر است. بعد از ایشان شیخ
صدوق (قده) (م ۳۸۱ ق) اقدام به جمع آوری احادیث فقهی مورد قبول خود کرد

۱. إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۷۶.

و آن را مانند رساله‌ای عملیه قرار داد تا مردم در هر جا و مکان، بدون مراجعه به فقیه، نظر امام (ع) را از آن جويا شوند. در دوره بعد از صدوق (قده)، شیخ طوسی (قده) (م ۴۶۰ ق) با دو کتاب حدیثی تهذیب الاحکام و استبصار درخشید. تفاوت کار شیخ با دو کتاب قبلی، در تعمد نویسنده در جمع‌آوری روایات متعارض، نهفته است. شیخ کوشید تا با یافتن توجیهاتی برای حل این تعارض‌ها، شیعه را از اتهام آشفتگی روایات نجات بدهد.

پس از آن در قرن یازدهم، در دوره حکومت صفویه و نفوذ علمای اسلام در دربار، مهم‌ترین جوامع حدیثی به رشته تحریر درآمد. بزرگ‌ترین دایرة المعارف حدیثی شیعه به نام بحار الانوار علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ ق) نوشته شد. این دایرة المعارف حدیثی، به قصد و حفظ احادیث شیعه، به رشته تحریر درآمد و در مسائل فقهی تنها ابواب صلات و طهارت به طور مبسوط و گسترده و بقیه ابواب به طور اجمالی و گذرا ذکر شد، گذشته از اینکه بنای مؤلف بر استفاده کردن از کتب اربعه نبود.^۲

مجموعه روایی «وافی» نوشته فیض کاشانی (قده) (م ۱۰۹۱ ق)، یکی دیگر از سه اثر نوشته شده در این دوره است. فیض نگارش این اثر را با دو انگیزه شاخص شروع کرد: اول، برطرف ساختن ضعف تبویب کتب اربعه که گاه فقیه را دچار اشتباه می‌کند. دوم، آسان کردن دسترسی به کتب اربعه با جمع‌آوری تمام احادیث آنها به همراه توضیح و شرح مختصر روایات.

سومین مجموعه روایی، به همت محدث کبیر شیخ محمدبن حسن معروف به حرّ عاملی (قده) (م ۱۱۰۴ ق) به نام «تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة» جمع‌آوری شد. این اثر بهترین کتاب حدیثی فقهی است که قبل از دهه‌های اخیر نوشته شده است. مهم‌ترین ویژگی‌های آن، تبویب روایات بر اساس فروع فقهی و جامعیت آن نسبت به احادیث کتب اربعه و سایر کتب مورد وثوق علماست.

۲. بحار الانوار، ج ۱، مقدمه مؤلف، ص ۴.

عالم جلیل القدر میرزا حسین بن محمدتقی نوری (م ۱۳۲۰ ق) نیز حدود صد سال پیش، کتاب «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل» را نوشت و آن دسته از روایات فقهی را که صاحب وسائل به جهت ضعف یا غفلت نیاورده بود، جمع آوری کرد.

در دوره اخیر، «جامع احادیث شیعه» نوشته آیت الله العظمی بروجردی (قده) مرجع عالی قدر تشیع و گروه زیر نظر ایشان، کامل ترین، دقیق ترین، بدیع ترین و زیباترین مجموعه روایات فقهی است که تاکنون به رشته تحریر درآمده و در دسترس اهل تحقیق قرار گرفته است. در این نوشته کوشیده ایم تا خوانندگان را با انگیزه و روند تألیف آن آشنا سازیم و ویژگی ها و امتیازات کتاب و روش کار با آن را توضیح دهیم.

۲. انگیزه معرفی جامع احادیث شیعه

جامع احادیث الشیعه کتابی نیست که به آسانی بتوان از عهده توصیف آن برآمد. کسی که با این کتاب انس و خلوتی داشته باشد، با لطایف و زیبایی ها و امتیازات شگرف آن آشنا خواهد شد. یکی از توفیقات نگارنده، آشنایی با این کتاب و انس با آن بوده است. بعد از این آشنایی پرثمر، بی اعتنایی حوزه به آن، به مسئله آزاردهنده ای تبدیل شد و از فراموش شدن اثری که آیت الله بروجردی آن را حاصل عمر خود می دانست، شگفت زده شدم. از همین رو، تصمیم گرفتم در این مقاله ضمن معرفی و بیان ویژگی ها و امتیازات آن نسبت به سایر کتب حدیثی خصوصاً وسائل الشیعه، روش کار با آن را توضیح دهم؛ زیرا این کتاب با دقت خاص اصولیان و به سبک تخصصی و اجتهادی نوشته شده است و همین حسن و کمال، کار با آن را قدری دشوار کرده است؛ زیرا لطایف و رموزی در آن است که اگر برای خواننده بیان نشود، با سؤالات بی پاسخ بسیاری مواجه خواهد شد. البته در مقدمه این اثر ۳۱ جلدی، این نکته ها به اجمال بیان شده است و این اجمال به گونه ای نیست که بتواند عموم خوانندگان را راضی کند و با روش نگارش چنین مجموعه عظیمی آشنا سازد.

الف) سیر تدوین جامع احادیث شیعه

۱. تهذیب وسائل الشیعه

۱-۱. تاریخ پیدایش انگیزه نگارش

آیت الله بروجردی (قدسه) بعد از وفات مرحوم آخوند خراسانی، صاحب کفایه (قدسه)، نجف را ترک کرد و به بروجرد رفت و خوان علم و دانش را در آن منطقه گسترده. در این دوره بود که او به کاستی های وسائل الشیعه پی برد و فکر تهذیب و پیرایش آن در ذهنش جوانه زد:

من از ابتدای شروع به درس در بروجرد، به دو نکته توجه کردم و آن اینکه در کتاب وسائل، که یکی از ابزار اولیه برای هر فقیه است، روایات چه از نظر موضوع بندی و تبویب و چه از نظر تقطیعات و چه از نظر اشاراتی که در پایان هر باب به روایات مذکور در ابواب دیگر شده است و چه از نظر سند، تنقیح نشده و مورد دقت لازم قرار نگرفته است...

بنابراین توجه به نواقص وسائل سابقه درازی در تفکرات ایشان داشته و به مرور زمان رشد یافت؛ تا اینکه پس از ورود به قم و استقرار بر کرسی مرجعیت، زمینه های لازم برای تحقق و عینیت بخشیدن به این آرزوی دیرین فراهم آمد.

۲-۱. طرح بحث با شاگردان

در سال ۱۳۷۰ ق/ ۱۳۲۹ ش روزی در اثنای درس ضمن قرائت احادیث از روی کتاب شریف وسائل الشیعه، به حدیثی در باب «جواز صلاة الرجل وإن كانت المرأة قدامة أو خلفه أو إلى جانبه وهي لا تصلی ولو كانت جنباً أو حائضاً وكذا المرأة»^۲ رسیدند که به سبب تقطیع در چند باب ذکر شده بود. ایشان به این

۳. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۲۲.

مناسبت فرمودند:

مرحوم شیخ حر عاملی بسیار زحمت کشید تا چنین کتابی را به جای گذاشت و کار را بر مجتهد مستنبط بسی آسان کرد، لکن ما هم به سهم خود باید روش عالمان سلف را پی گیری و زحمات آنان را تکمیل کنیم.

۳-۱. توضیح تفصیلی نواقص و معایب «وسائل الشیعه»

ایشان در توضیح تفصیلی نواقص و معایب وسائل الشیعه افزودند: نقایصی چند از جهت تقطیع احادیث و غیر آن در کتاب وسائل الشیعه وجود دارد که اگر آنها را رفع کنیم، در امر استنباط و اجتهاد بهتر و سریع تر پیش می رویم. آن نقایص از این قرارند:

۱. صاحب وسائل به سبب تقطیع احادیث، ناچار سند آنها را نیز تکرار کرده و همین مسئله باعث افزایش کاذب حجم کتاب شده است.
۲. در موارد زیادی، احادیث سندهای متعددی دارند. از این رو، او باید با هر تقطیع، همه اسناد را تکرار می کرد، ولی ایشان با هر قطعه از روایت، تنها یکی از سندها را آورده است. در نتیجه، خواننده متوجه فراوانی اسناد حدیث نمی شود؛ در حالی که اگر از اسناد آن آگاه می شد، شاید به جهت مستفیض شدن روایت، نیازی به بررسی سندی یا کارهای مشابه پیدا نمی کرد.
۳. در اثر تقطیع، روایات تکه تکه شده اند و ارتباطی که میان اول و آخر حدیث بود، از هم گسسته است؛ در حالی که گاه بخش های مختلف روایت، می توانست قرینه ای برای چگونگی برداشت و تفسیر از آنها باشد.
۴. یکی از انگیزه های ایشان در تقطیع روایات، تبویب دقیق تر احادیث بر اساس مسائل فقهی بود. زیاده روی در این مسئله باعث شد تا احادیث در ابواب گوناگون، پراکنده و روایات مرتبط با یک موضوع در ابواب مختلف ذکر شوند. در نتیجه فقیه گمان می کرد که تمام روایات مربوط به مسئله، فقط در همان باب آمده است و همین امر باعث اشتباه در فتوا می شد.

۵. یکی از انگیزه‌های صاحب وسائل در تقطیع حدیث، کاستن از اشاره‌هاست. مقصود از اشاره، ارجاع دادن فقیه به حدیث یا احادیثی در باب دیگر است تا او احادیث مرتبط دیگر را نیز ببیند؛ در حالی که اشاره را با ذکر نشانی دقیق ابواب می‌توان حل کرد، ولی آسیب‌های تقطیع قابل جبران نیست.

۶. ایشان در موارد بسیار زیادی، اشاره‌هایی به جاهای دیگر دارد، اما محل اشاره مشخص نیست، حتی گاه یقین حاصل می‌شود که پیش از این حدیث، حدیث مرتبطی وجود ندارد و مؤلف، به اشتباه اشاره به گذشته کرده است.

۷. همه اموری که می‌تواند از حجم کتاب بکاهد، باید رعایت شود؛ مثلاً به جای نام مؤلف، رمز خود کتاب کافی است؛ همان‌طور که فیض کاشانی (فده) در کتاب وافی برای هر کتاب رمزی قرار داده است؛ مانند رمز «کا» برای کافی، «یب» برای تهذیب، «صا» برای استبصار، و «فقیه» برای من لایحضره الفقیه.

این کلمات به تعداد احادیث تکرار شده که با رعایت اختصار، مقدار زیادی از حجم کتاب کم می‌شود.

۸. مقدمه‌ای مشتمل بر حدیث ثقلین بر اساس احادیث شیعه و سنی در آغاز کتاب نوشته و آن‌گاه ثابت شود که تمام روایات اهل بیت (ع) از رسول خدا (ص) گرفته شده و در نتیجه تمام روایات شیعه برای اهل سنت نیز حجت است.

۴-۱. تشکیل لجنه‌های علمی

مرحوم آیت‌الله بروجردی، پس از بیان نقاط ضعف وسائل الشیعه، یکی از ابواب را مشخص کرد و از علاقه‌مندان خواست که در گردآوری احادیث آن مشارکت کنند. در روز موعود، حدود هفتاد تن از شاگردان، نوشته‌های خود را خدمت ایشان آوردند. آیت‌الله بروجردی پس از مطالعه نتیجه کارها عده‌ای را از میان آنان برگزید و بدین ترتیب، گروه تدوین تشکیل شد. آن جناب افراد جوان و برگزیده را در دو لجنه قرار داد و تهیه ابواب خاصی را به هر کدام از آنان سپرد.

۱-۵. فهرست اعضای لجنه های علمی

آقایان: ۱. شیخ اسماعیل معزی ملایری، ۲. شیخ حسینعلی منتظری نجف آبادی، ۳. شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، ۴. شیخ محسن حرم پناهی قمی، ۵. سیدحسین کرمانی، ۶. سیدمصطفی کاشفی خوانساری، ۷. شیخ عبدالرحیم بروجردی، ۸. شیخ علی پناه اشتهااردی، ۹. شیخ جلال طاهر شمس گلپایگانی، ۱۰. شیخ حسین نوری همدانی، ۱۱. شیخ ابراهیم امینی نجف آبادی، ۱۲. شیخ علی ثابتی همدانی، ۱۳. شیخ محمد واعظ زاده خراسانی، ۱۴. شیخ محمدباقر ابطحی اصفهانی، ۱۵. سید محمدعلی ابطحی اصفهانی، ۱۶. شیخ محمدتقی ستوده اراکی، ۱۷. سید... بهشتی بروجردی، ۱۸. شیخ حسن نائینی، ۱۹. سیدمحمدحسین درچه ای، ۲۰. شیخ جواد خندق آبادی تهرانی.

از مقدمه فرزند آیت الله بروجردی (قده)، سیدحسن بروجردی، بر جامع احادیث شیعه، فهمیده می شود که فعال ترین اعضای گروه، آقایان شیخ علی پناه اشتهااردی و شیخ اسماعیل معزی ملایری (قده) بودند.

۶-۱. میزان نظارت آیت الله بروجردی (قده)

اصل طرح و سبک کار به ابتکار خود آیت الله بروجردی بود، اما کار تدریس و رسیدگی امور مربوط به مرجعیت و طلاب، مانع از پرداختن به جزئیات کار تدوین حدیث بود. از این رو، ایشان بخش های مختلف کار را در میان افراد گروه تقسیم کرد. هریک از اعضا بعد از پایان کار، خدمت او می رسید و حضرت آیت الله، از نتیجه کار آنان آگاهی می یافت. گاهی هم در جلسات علمی آنان شرکت می جست و به منظور پیشبرد کارها از دیدگاه شاگردان خود استفاده می کرد.

۲. جامع احادیث الشیعه

بعد از مدتی تصمیم بر آن شد که علاوه بر افزودن روایات کتاب مستترک در کنار روایات وسائل، روایات فقهی دیگری را که در این دو نیامده و گروه در هنگام

مراجعه‌های مکرر خود به کتب و مصادر اولیه یافته، افزوده شود. در واقع، مقصود آیت‌الله بروجردی تدوین مجموعه‌ای کامل بود تا در مقام استنباط، نیاز به کتاب دیگری نباشد؛ یعنی جامع احادیث شیعه در موضوع فقه باشد.

۳. جامع احادیث الشیعه و السنی

در سال دوم فعالیت گروه تدوین، آیت‌الله بروجردی تصمیم گرفت که روایات اهل سنت نیز در ذیل ابواب فقهی افزوده شود. ایشان در بیان دلایل این تصمیم چنین توضیح داد:

روایات اهل سنت در موضوعات فقهی اندک است. من می‌خواهم با این کار آنها مجبور شوند که به روایات ما هم مراجعه و از آن استفاده کنند. اهل سنت می‌گویند: فقه شیعه از آنجا که به قیاس و استحسان عمل نمی‌کنند، توسعه ندارد. من می‌خواهم آنها به کتاب‌های ما مراجعه کنند و بدانند احکام فروعی را که آنها با قیاس و استحسان به دست آورده‌اند، ما از روایات به دست می‌آوریم. در ضمن آنها خواهند دید که ما چقدر روایت داریم و آنها چقدر روایت دارند.

ایشان برای این کار کتاب «التاج» را انتخاب کرد. این کتاب پنج کتاب از صحاح شش‌گانه را دربر دارد و مکررات را ادغام و سندها را کوتاه کرده است. این توسعه بر اساس مبنا و روش اجتهادی ایشان، قابل توجیه بود؛ زیرا معروف است که ایشان فقه شیعه را ناظر بر فقه اهل سنت می‌دانست، به این معنا که ائمه (ع) فتاوی رایج زمان خودشان را نقد می‌کردند و اصحاب ایشان نیز در فضای علمی حاکم بر جامعه سنی می‌زیستند و سؤالاتی را که از این رهگذر در ذهنشان ایجاد می‌شد، می‌پرسیدند. بنابراین آگاهی از روایات و فتاوی علمای سنی معاصر ائمه تأثیر به‌سزایی در فهم معانی روایات دارد.

آقای ثابتی همدانی، با کمک دیگران این کار را شروع کرد و تا پایان کتاب

طهارت اهل سنت پیش رفت. متأسفانه این تلاش مبارک ادامه نیافت و متوقف شد. آیت‌الله بروجردی درباره علت این اقدام به شاگردانش گفت: «می‌ترسم برخی از مقدسین بگویند: علمای شیعه زحمت کشیده‌اند تا احادیث ائمه(ع) را از احادیث اهل سنت جدا کنند و به طور مستقل بیاورند و شما دوباره آنها را مخلوط کردید». ظاهراً ایشان تحت تأثیر نظر فرزندش از تصمیم اولیه منصرف شد؛ زیرا سیدمحمدحسن از آغاز با این تصمیم مخالف بود و روزی که ایشان از تصمیم اولیه برگشت، فرمود «سیدمحمدحسن این چنین گفته است؛ راست می‌گوید».

۴. بازبینی و نظارت

بعد از حدود هفت سال، کار تدوین اولیه روایات به پایان رسید و تلاش و کوشش پی‌گیر او و شاگردانش به ثمر نشست، اما هنوز زمان چیدن میوه آن نرسیده بود؛ زیرا با آنکه فیش برداری از احادیث به پایان رسیده بود، اما هنوز به بازبینی‌هایی نیاز داشت. ایشان برای اینکه جلو بگومگوهای علمی را بگیرد، از میان جمع شاگردان، تنها سه نفر را برای این کار برگزید که عبارت بودند از: آیات حاج شیخ اسماعیل معزی ملایری، شیخ علی‌پناه اشتهااردی و واعظ زاده خراسانی، او سیدحسن فرزند خود را هم برای ارتباط و گزارش پیشرفت کارها، انتخاب کرد و به این ترتیب، کار بازبینی و آماده‌سازی نهایی احادیث شروع شد.

۵. رحلت آیت‌الله بروجردی و پراکندگی گروه

آیت‌الله بروجردی(قده) با دقت خاص اصولی و عنایت و اهتمامی که به حدیث‌نگاری داشت، معتقد بود که جامع احادیث شیعه باز هم نیازمند بازبینی و بررسی دقیق است. به همین دلیل، زیر بار چاپ کتاب نمی‌رفت، اما به اصرار اطرافیان و برخی از شاگردان، چاپ آن را پذیرفت و با عرضه جلد اول آن، ثمره تلاش خود را قبل از وفات مشاهده کرد.

بعد از ایشان، کار بازبینی به تعطیلی کشید و آقای واعظ زاده از قم رفت و

تنها کسی که پرچم این رسالت بزرگ را زمین نگذاشت و تنها و یک تنه آن را به دوش کشید و تا انتشار آخرین جلد مقاومت کرد، فقیه عالی قدر آیت الله اسماعیل معزی ملایری (قده) بود. ایشان نه تنها کار بازمینی را ادامه داد و با مساعدت آیت الله خوئی دوره اول کتاب را به طور کامل به چاپ رساند، بلکه قبل از چاپ دوم، با تلاشی خستگی ناپذیر اقدام به تصحیح دوباره مهم ترین یادگار استاد خویش کرد و تغییرات قابل توجهی در آن پدید آورد که از آن جمله می توان به تصحیح آدرس ها بر اساس کتب رایج و افزودن حدود هزار روایت که در وسائل و مستدرک نیست، اشاره کرد.^۴

ب) ویژگی ها و امتیازات جامع احادیث الشیعه

در بخش قبلی با انگیزه گردآوری و مراحل آن و برخی از ویژگی های کتاب شریف «جامع احادیث الشیعه» آشنا شدیم. در این قسمت، با تفصیل افزون تری به توضیح این ویژگی ها و امتیازات می پردازیم.

۱. آیات الاحکام

قرآن، کتاب تربیت و هدایت، حکم و حکمت و تعلیم و تزکیه، و وحیانی ترین

۴. مطالبی که به محضر خوانندگان محترم عرضه شد، چکیده مطالبی است که چند تن

از افراد گروه تدوین جامع احادیث در نوشتار و مصاحبه های خود بیان کرده بودند که سخنانشان در منابع ذیل آمده است:

- مجله حوزه، ویژه نامه آیت الله العظمی بروجردی (قده)، ش ۴۳-۴۴، مصاحبه با حضرات آیات: جعفر سبحانی و واعظ زاده خراسانی؛

- آینه داران حقیقت، ج ۱، مصاحبه با آیت الله ستوده، ص ۲۵، بوستان کتاب.

این اثر کاری از مجله حوزه است که به سال ۱۳۸۲ انتشار یافته است؛

- مقدمه کتاب جامع احادیث الشیعه؛

- زندگی نامه آیت الله بروجردی (قده)، به قلم آیت الله واعظ زاده خراسانی. این

جزوه در پایگاه اینترنتی اطلاع رسانی آیت الله بروجردی (قده) به آدرس:

WWW.broujerdi.ir موجود است.

مرحوم شیخ حر عاملی بسیار زحمت کشید تا چنین کتابی را به جای گذاشت و کار را بر مجتهد مستنبط بسی آسان کرد، لکن ما هم به سهم خود باید روش عالمان سلف را پی گیری و زحمات آنان را تکمیل کنیم.

عنصر موجود در میان ما و ثقل اکبر و دریای موج معرفت و حکمت است. قرآن ریشه علم رسول خدا و ائمه (ع) است. آنان هر آنچه می گفتند، از قرآن می گفتند. اگرچه برای ما قابل درک نیست که برداشت‌های آنان از قرآن چگونه بوده، با این حال در موارد بسیاری بهره گیری از آیات قرآن را به شاگردان خود سفارش می کردند و حتی روش آن را نیز می آموختند.^۵ اگر فقیهی در جریان استنباط خود، روشی را برگزیند که او را به ظاهر کاملاً از قرآن بی نیاز کند و او در فهم فقهی خود اندک نیازی به مراجعه به آن احساس نکند، این امر نشانه کاستن از ارج و حرمت کلام وحی به شمار می رود.

یکی از امتیازات فقیه عالی قدر حضرت آیت الله بروجردی (قده)، اهتمام به قرآن در استنباط فقهی بود. به همین جهت، ایشان غفلت از آیات الاحکام در ابواب کتاب شریف «وسائل الشیعه» را از معایب و ضعف‌های آن می دانست. روش ایشان در کتاب جامع احادیث شیعه چنین است که اگر آیه‌ای مرتبط با موضوع باشد، آن را یادآوری می کند و برحسب ترتیب سوره و آیات، آنها را پشت سر هم می آورد.

۲. جامعیت روایی

۱-۲. اهمیت جامعیت روایی

جامعیت روایی، مهم ترین شاخص و ویژگی «جامع احادیث الشیعه» است. تلاش فقیه عالی قدر و لجنه های علمی تحت نظر ایشان، بر این بود تا

۵. الکافی، ج ۳، ص ۳۰، ح ۴.

فقیه را از مراجعه به هر کتاب حدیثی دیگری بی نیاز سازند تا چنانچه فقیهی این کتاب را به دست می‌گیرد، دغدغه خاطری برای مراجعه به کتاب دیگری نداشته باشد. البته مؤلف، مدعی استقصا و جمع‌آوری کامل روایات فقهی نیست، لکن می‌توان مطمئن بود که هیچ فقیهی به تنهایی نمی‌تواند به بیش از آنچه این گروه با سال‌ها تلاش پی‌گیر و دقت نظر بدان دست یافته، دست یابد.

۲-۲. دامنه روایات «جامع احادیث الشیعه»

تمام روایات دو کتاب «وسائل الشیعه» و «مستدرک» در آن انعکاس یافته است. البته بعضی از روایات این کتاب‌ها، فقهی نبودند که آنها حذف شده‌اند؛ چنان‌که تمام احادیث منقول از کتاب «مصباح الشریعه» نیز حذف شده است؛ زیرا این کتاب، مجموعه روایات اخلاقی منسوب به امام صادق(ع) است و حدیث فقهی در آن یافت نمی‌شود.

گروه تألیف علاوه بر روایات این دو کتاب، هر روایت فقهی دیگری را که در مراجعه به منابع دیگر، بدان دست یافته‌اند، در اثر خود افزوده‌اند، این منابع عبارت‌اند از:

کافی، مجموعه آثار شیخ طوسی(قده) (تهذیب، استبصار، عده الاصول، مصباح المتعبد، الغیبه، الخلاف، امالی شیخ طوسی، امالی پسر شیخ طوسی)، مجموعه آثار شیخ صدوق(قده) (من لایحضره الفقیه، الخصال، علل الشرایع، امالی صدوق، معانی الاخبار، عیون الاخبار، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، المقنع، التوحید، کمال الدین، فضائل الاشهر الثلاثة، فضائل الشیعه، صفات الشیعه)، مجموعه آثار شیخ مفید(قده) (امالی، الاختصاص، الارشاد، المقنعه)، وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل، المحاسن برقی، قرب الاسناد حمیری، مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب، عده الداعی ابن فهد حلی، بشاره المصطفی طبری، السرائر ابن ادریس، مجمع البیان طبرسی، اعلام الوری طبرسی، مکارم الاخلاق حسن بن فضل طبری، الاحتجاج احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، نهج البلاغه، صحیفه

سجادیه، فقه الرضا(ع)، دعائم الاسلام قاضی، تحف العقول حرانی، تنبیه الخواطر ورام، کتز الفوائد کراجکی، الغیبة نعمانی، ارشاد القلوب دلمی، بصائر الدرجات صفار، کشف الغمّة فی معرفة الائمه اربلی، بحار الانوار، الخرائج والجرائح راوندی، استغاثه ابوالقاسم کوفی، الطرف واقبال وملهوف ابن طاووس، التوحید مفضل، جامع الاخبار لمولفه، مدینه المعاجز بحرانی، منیة المرید فی آداب المفید والمستفید شهید ثانی، عبقات الانوار نیشابوری، مسکن الفواد شهید ثانی، کامل الزیارة ابن قولویه، تفسیر قرآن امام عسکری(ع)، تفسیر قرآن فرات کوفی، تفسیر عیاشی، تفسیر قرآن قمی، رجال نجاشی، عوالی اللثالی ابن ابی جمهور، تذکرة الفقهاء والمختلف والمتهی حلی، و کتاب های فراوان دیگری که نامشان در متن آمده است.

۲-۳. روش نام بردن از کتب مصادر

کتاب هایی که از آنها حدیث نقل شده است، برخی اصل و برخی فرع اند و چون از کتاب های اصلی بیش از منابع دیگر یاد شده، آنها را با علائم خاصی نشان داده اند که عبارت اند از: «کا» (کافی)، «فقیه» (من لایحضره الفقیه)، «یب» (تهذیب الاحکام)، «صا» (استبصار)، «ئل» (وسائل الشیعه)، «ک» (مستدرک). نام سایر کتب به طور کامل آمده است، مگر اینکه نام کتاب، مرکب باشد که در این صورت مضاف الیه آن حذف شده است؛ مانند: «دعائم» (دعائم الاسلام)، «بصائر» (بصائر الدرجات)، «معانی» (معانی الاخبار) و... البته این روش در چاپ اول مراعات شد، اما در چاپ دوم، نام کتاب ها در اغلب موارد به طور کامل ذکر شده است.

۳. دقت فراوان در نقل احادیث

یکی از مشترکات تمام علوم، افزایش دقت ها و ظرافت ها در آنهاست؛ زیرا به مرور زمان و با پیدایش مردان بزرگ، دقت های تازه و بدیمی بر دقت های گذشتگان افزوده می شود. این اتفاق یکی از سنت های خدا در پیشبرد علوم

است. از این رو، افزایش دقت‌های علمی در نقل و تفسیر و نسخه‌شناسی و غیر آن در حدیث قابل درک است. چه بسا ادله‌ای که در زمان خود، بسیار محکم و دقیق شمرده می‌شدند، با گذر زمان ضعیف انگاشته شوند یا منابعی که مورد مراجعه و وثوق بودند، به جهت پیدایش نیازهای جدید و گسترش دقت‌های علمی از نظر نقل و استناد و نسخه‌شناسی، از رده علمی خارج شوند و قابلیت اعتماد به آنها از بین برود. به همین جهت، از شیخ حرّ عاملی (قده) انتظار نمی‌رود که با وجود اخباری بودن و گذشت قریب به سیصد سال از دوره او، کتابش واجد همه شاخص‌های علمی حوزه‌های فقهی امروزی باشد. اما اگر کسی در فضای امروز کتابی فقهی یا حدیثی بنگارد، باید برای فقها و حدیث‌شناسان نکته‌سنجی که به راحتی ذهن جوّالشان آرام نمی‌گیرد، قانع‌کننده باشد. از این نظر، کار «جامع احادیث شیعه» با سختی‌ها و دشواری‌های خاص خودش مواجه بود و به حوصله‌ای بی‌پایان و کوششی خستگی‌ناپذیر نیاز داشت تا بتواند پاسخ‌گوی خواست‌های علمی عصر خود باشد.

ذهن خلاق آیت‌الله بروجردی (قده) و لجنه‌های تحت امر ایشان، به خوبی متوجه چنین تفاوتی بوده و به همین جهت، دقت‌هایی در تدوین «جامع احادیث» داشتند که بحق در تاریخ جامع‌نویسی شیعه بی‌سابقه است. این دقت‌ها عبارت‌اند از:

۱-۳. نقل از مصادر اولیه: اگرچه مبنای اولیه، نقل روایات دو کتاب و سائل و مستدرک بود، اما در این کار به خود کتب مذکور اکتفا نشد و چنانچه اصل کتاب موجود بود، حدیث از منبع اصلی خود نقل و در غیر این صورت به نقل و سائل و مستدرک اکتفا شد. اگر کتاب و منبع در دسترس قرار داشت، اما حدیث منقول از این دو کتاب در آن یافت نمی‌شد، آن حدیث نیز به نقل از آن دو نقل می‌شد. برای مشخص شدن این نکته، تدوینگران ابتدا نام و سائل شیعه یا مستدرک را با شماره جلد و صفحه می‌آوردند و بعد از آن، نام منبعی را که فاقد حدیث بود، و سپس خود حدیث را ذکر می‌کردند. به عنوان مثال:

۲۹۰ (۱۷۹) مستدرک، ۲۷۲، ج ۱، دعائم الاسلام: روینا عن علی (ع)

انه سئل عن «اهل الذکر» من هم . فقال : «نحن والله اهل الذکر» .^۶

این حدیث در دعائم الاسلام نیست و این بدان معناست که در نسخه صاحب مستدرک وجود داشته، اما در نسخه امرزی وجود ندارد.

۲-۳. تصحیح و مقابله مکرر: پیش از چاپ، احادیث کتاب بارها با نسخه های اصلی مقابله و تصحیح شد و بعد از چاپ کتاب و قبل از انتشار نیز دوباره مقابله و تصحیح انجام گرفت و در پایان کتاب، موارد خطا آورده شد. احادیث کتب اربعه را نیز پس از مقابله با کتب خطی نفیس و قدیمی که اثر تصحیح در بسیاری از صفحاتشان با تعبیراتی نظیر «بلغ مقابله» یا «قراته» یا «سماعا» یا «درسا تحقیقاً و تدقیقاً» وجود داشت و مزین به اجازات و مهرهای اساتید و بزرگان بود، نقل کردند. در مورد غیر کتب اربعه هم که علماء به آنها اهتمام کمتری نشان داده اند، اغلب به نسخ خطی و قدیمی و همراه با آثار تصحیح و اجازات و غیره دست نیافتند و به همین دلیل، علاوه بر نسخ موجود با کتاب های و سائل و مستدرک نیز مقابله شد؛ زیرا این دو کتاب از برخی از نسخ موجود، قابل اعتمادترند.

۳-۳. نقل عین الفاظ سند و متن حدیث: یکی از فوق العادگی های کتاب حاضر، نقل عین الفاظ سند و متن بدون کوچک ترین تصرف در آنها اعم از تلخیص و تبدیل در سند و متن است؛ در حالی که جوامع پیشین اغلب اقدام به تلخیص و تبدیل کرده اند که به تفصیل به بیان آنها می پردازیم. مهم ترین ایراد تلخیص و تبدل، افزودن بردشوازی کار و سلب اطمینان از متن و سند روایت است:

ومعلوم أن الجامع ما لم تضبط فيه الأحادیث كما هي بعين
الألفاظ مع كثرة ما فيها من الاختلاف لا يغني المستنبط عن
المراجعه إلى مأخذها وعن النظر إلى تفاصيلها فلذا قد أثبتنا
الأحادیث كما هي في الأصول مع ضبط الخصوصيات من
دون الإطالة والتكرار؛^۷

۶. جامع احادیث الشیعیه، ج ۱، ص ۲۷۷.

۷. جامع احادیث الشیعیه، ج ۱، ص ۲۳.

و معلوم است مادامی که عین الفاظ احادیث در «جامع» حفظ نشود، با وجود کثرت اختلافاتی که در روایات است، مستنبط را از مراجعه به مأخذ و اعمال نظر در تفصیل آنها بی نیاز نخواهد ساخت. به همین جهت، ما احادیث را همان گونه که در اصول اولیه بودند، حفظ کردیم، بدون اینکه مبتلا به اطاله و تکرار شویم.

۳-۱۳. توجه به اختلاف: در این اثر به تفاوت نسخ موجود در منابع حدیث نیز اشاره شده است. تفاوت نسخه به دو صورت است. گاه کلمه دیگری به کار رفته که در این صورت، نسخه بدل در پاورقی آمده است. به عنوان مثال، در باب ۲۹ که پیشتر ذکر شد، در برخی از نسخ فقیه «من شرّ عبدی»، «من شتم عبدی» نیز نقل شده است. گاهی هم در نسخه دیگر، کلمه اضافه ای وارد شده است که این موارد اغلب در داخل هلالین و با علامت اختصاری «خ» و در ادامه متن می آید. به عنوان نمونه، آمده است: «فان الفضل فی السحور (فلیفعل - یب ۳۱۴ خ)». این بدان معناست که در نسخه بدل کتاب تهذیب ص ۳۱۴ کلمه «فلیفعل» نیز وجود دارد.

۳-۲. پیشنهاد اصلاحی در متن و سند: یکی از مزایای اثر حاضر که بر وزانت و دقت علمی آن افزوده، اصلاح ایرادهای موجود در اسناد و متون است. به عنوان مثال، اگر نام راوی در کتب منقول عنه به درستی ثبت نشده، مؤلف نظر خود را درباره آن داده و آن را اصلاح کرده است. یا اگر تعبیری در متن روایت به کار رفته که از نظر لفظی یا معنایی، ایراد داشته و با بقیه حدیث هم خوانی نداشته، اصلاح شده است. البته این اصلاح در متن اصلی اعمال نشده است؛ زیرا در این صورت متن اصلی از دست می رفت و معلوم نبود که اصلاح صورت گرفته، درست است یا نه. از این رو، موارد اصلاحی در پاورقی و با علائم «خ ل» به معنای «نسخه اصلاحی» مشخص شده است.

اقدام دیگر، جداکردن توضیحات راوی یا مؤلف از متن اصلی حدیث، در صورت مشتبه شدن آن با متن اصلی بود؛ مانند بسیاری از توضیحات صدوق (قده) که گاه چنان با متن اصلی آمیخته می‌شود که تشخیص آن را بسی دشوار می‌کند. همچنین برای فهم آسان‌تر، مرجع ضمیرهای دشوار و معانی لغات غریب بیان و برخی از احادیث مجمل توضیح داده شد.

۳-۳-۳. نقل عین اسامی در اسناد: در کتاب‌های «بحار» و «وافی» اسامی روایت در سند روایت، تلخیص شده است؛ مثلاً اگر راوی به اسم، لقب و یا کنیه شناخته شده باشد، همان در سند قرار گرفته است، خصوصاً «وافی» در این زمینه زیاده‌روی کرده و سندهای خود را با رمز نوشته است؛ به گونه‌ای که جز افراد خبره کسی نمی‌تواند از آنها بهره بگیرد و برخی همین شیوه را دلیل عدم استقبال از آن دانسته‌اند؛^۹ مثلاً «السراد» اشاره به حسن بن محبوب، «التیملی» اشاره به علی بن حسن بن علی بن فضال است. این القاب و اوصاف در کتب رجالی برای این اشخاص وارد شده است، ولی این روش شناسایی افراد را سخت‌تر می‌کند. گاهی صاحب «وافی» برخی از افراد تکرار شده در چندین سند را حذف و به جای آنها از «الخمسة»، «الاربعة»، «الثلاثة» و «الاثین» استفاده کرده است. به عنوان نمونه، او از «علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن حماد عن الحلبي» به «الخمسة» یاد کرده است تا مجبور به تکرار نام این افراد نشود. بعید نیست که این شیوه تحت تأثیر تفکر اخباری و استغنائی از علم رجال مؤلفان «بحار» و «وافی» بوده باشد که هر دو اخباری بودند و این امر، کم توجهی‌ها و تلخیص‌ها را قابل توجیه می‌کند.

در این میان صاحب وسائل (قده)، راه میانه را رفته و در مقایسه با کتب مذکور، پای‌بندی بیشتری در ذکر سند نشان داده و اغلب نام و کنیه و لقب را

۹. زندگی‌نامه آیت‌الله بروجردی (قده) به قلم آیت‌الله واعظ زاده خراسانی، این جزوه

در پایگاه اینترنتی اطلاع‌رسانی آیت‌الله بروجردی (قده) به آدرس: www.broujerdi.ir

مطابق با منابع اولیه آورده است. البته او در برخی موارد، مانند کتب قبلی به ذکر عنوان معروف تر بسنده کرده است. به عنوان مثال، ایشان در بسیاری از موارد به جای «عبدالله بن جعفر حمیری»، تنها «حمیری» می آورد؛ زیرا راوی به همین نام در میان محدثان و فقها معروف است.

این کار اگرچه نوعی تلخیص در اسامی افراد است و باعث سرعت گرفتن کار و کم حجم شدن کتاب می شود، اما از دقت کار و اطمینان به کتاب می کاهد؛ زیرا مؤلف در سندها دست برده و تغییراتی در آنها داده است و روشن است که همین مقدار از تصرف نیز گاه به اطمینان افراد آسیب می زند. از این رو، در کتاب شریف جامع احادیث الشیعه عین اسامی روایت به همان صورتی که در کتاب اصلی و مصدر آمده، ذکر شده است.

۳-۴. افزودن توضیحات شیخ طوسی (قده): شیخ طوسی (قده) در دو مورد توضیحاتی را به روایات تهذیب و استبصار افزوده است: اول در حل تعارض اخبار و دوم در حل مبهمات برخی از اخبار نادر. این توضیحات در اثر حاضر به نقل از ایشان افزوده شده است.

۴. تقطیع نکردن احادیث

۴-۱. محاسن و معایب تقطیع

در بسیاری از موارد، یک روایت متضمن بیان بیش از یک حکم، یا در ابواب مختلفی از جهات مختلفی قابل استناد و استفاده است. در چنین مواردی که کم هم نیست، صاحب وسائل اقدام به تقطیع کرده و هر بخش از آن را در باب مربوط آورده است. این کار با وجود محاسنی چون در دسترس قرار دادن بخش های موردنیاز و حذف بخش های غیر ضروری در ابواب غیر مناسب، معایبی نیز دارد. آنچه صاحب وسائل را بر آن داشت تا روایات را تقطیع کند، اصرار ایشان بر ایجاد بانی مستقل برای تمام مسائل موجود در روایات است. به همین جهت، او ناچار بود که روایات متضمن چندین مسئله فقهی را در چند

باب بیاورد. لازمه این کار، یا تکرار کامل روایت در همه چند باب یا تقطیع روایت بود که وی گزینه دوم را برای اختصار و جلوگیری از تکرار انتخاب کرد. این روش البته معایب مهمی نیز داشت؛ زیرا با گسسته شدن ترکیب چنین روایاتی، ممکن است که بسیاری از قرائن لفظی یا محتوایی از بین برود. شاید ذکر حکمی در کنار حکم دیگری که به ظاهر نامربوط است، دارای پیامی یا جهتی باشد که توجه به آن، باعث فهم بهتر روایت گردد. اگر تقطیع جایز باشد، پس چرا امام (ع) این مسائل را در کنار هم بیان فرمود؟ آیا قصد خاصی از این کار داشت؟ چرا موارد دیگری را نگفت و تنها به ذکر این موارد بسنده کرد؟ شاید می‌خواست با نوع چینش آنها، پیام خاصی را به مخاطبان منتقل کند؟ و سؤالاتی از این قبیل. البته شاید هم هیچ حکمی در کار نباشد، اما چون احتمال عاقلانه‌ای است، نباید از نظر دور داشت. از این رو، حتی المقدور نباید روایت تقطیع بشود و برای پرهیز از پیامدهای منفی تقطیع بود که در اثر حاضر جز در موارد خاص، این کار صورت نگیرد.

عیب دیگر تقطیع غیرواقعی شدن اعداد و ارقام روایات و سائل الشیعه است. طبق بررسی آیت الله بروجردی (قده) و برخی از اعضای گروه تألیف، از ۳۵۸۶۸ روایت و سائل، حدود ده هزار مورد آن تکراری است.^{۱۰}

۲-۴. روش جایگزین تقطیع

در کتاب «جامع احادیث شیعه» به جای تقطیع روایتی که دربر دارنده چند حکم است، آن را در بابی که مناسبت بیشتری دارد، آورده‌اند و در سایر ابواب، فقط به آن ارجاع داده شده است، مگر در موارد خاصی که به ذکر آنها می‌پردازیم.

۳-۴. موارد استثنا

الف) ظهور روایت به وسیله تقطیع تغییر نیابد؛ مانند: حدیث اربعمائه، حدیث علل احکام، وصایای رسول خدا (ص) و مناهای ایشان و روایاتی از این

قبیل که فقرات از هم گسسته‌ای دارند.

ب) روایاتی که در اول یا آخرشان، مطالب غیر فقهی آمده باشد که قسمت غیر فقهی آن حذف شده است، البته به شرط آسیب نرسیدن به ظهور حدیث و عدم اخفای قرائن.

ج) در ابواب مقدمات که اغلب در برگیرنده احادیث اصولی هستند نیز تقطیع صورت گرفته است؛ مثلاً برخی از روایات فقهی دلالت‌های مطابقی، ضمنی و یا التزامی یا هر نوع ملازمه دیگری با حجیت خبر واحد دارد که از مجموع آنها تواتر معنوی حاصل می‌شود. در این موارد، به صرف ارجاع قناعت نشده و بخشی از روایت که دلالت بر حجیت خبر واحد می‌کرد، در باب حجیت خبر واحد آمده و مطالعه کامل حدیث به باب ویژه آن ارجاع شده است.

۴-۴. سند روایات تقطیع شده

در مواردی که روایتی تقطیع شده است، مانند حدیث اربعمائه سند آن در تمام ابواب و به همراه تمام بخش‌های آن تکرار نشده است، بلکه تنها در یکی از ابواب به طور کامل آمده و در سایر ابواب به آن اشاره شده است، به جز روایات کتاب جعفریات از «علی بن جعفر»؛ زیرا تمام روایات آن فقط یک سند دارد. از این رو، سند همه روایات علی بن جعفر، در اولین بابی که حدیثی از او نقل شده، آمده و در بقیه حتی از اشاره به اولین بابی که سند حدیث مذکور است، پرهیز شده تا شرط اختصار رعایت شود. البته این قاعده در ابواب مربوط به اصول فقه مراعات نشده و سند روایات حتی در فقرات تقطیع شده نیز آمده است.

۴-۵. ذکر تعلیقات کافی

در کتاب کافی، سند حدیث به طور کامل آمده و چنانچه شروع سند حدیث بعدی مانند حدیث قبلی باشد، از ذکر آن خودداری شده که در اصطلاح به آن تعلیق می‌گویند؛ زیرا فهم سند حدیث دوم، به سند حدیث اول معلق شده است. از باب مثال، در کتاب کافی، (ج ۸، ص ۲۶۹) دسته‌ای از احادیث با این

سند شروع می‌شوند:

۳۹۵. محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد وعدة من اصحابنا
عن سهل بن زیاد جميعا عن ابن محبوب عن مالك بن عطية
قال قلت لأبي عبدالله (ع)

در چهار حدیث بعد، از آنجا که شروع سند تا ابن محبوب با سند روایت
قبلی مشترک است، از تکرار آن خودداری شده و سند آنها از ابن محبوب شروع
شده است:

۳۹۶. حدثنا ابن محبوب عن أبي يحيى كوكب الدم عن أبي
عبدالله (ع) قال

۳۹۷. ابن محبوب عن جميل بن صالح عن أبي عبدة قال
سالت ابا جعفر (ع)

۳۹۸. ابن محبوب عن عمرو بن ابي المقدم عن أبيه قال قلت
لأبي جعفر (ع)

۳۹۹. عنه عن هشام بن سالم عن عبد الحميد بن أبي العلاء
قال

این کار فی حد نفسه در کتاب کافی ایراد شمرده نمی‌شود، بلکه نوعی
اختصار معقول است، اما در مثل اگر چهار روایت یاد شده به همین صورت در
مجموعه روایی دیگری نقل شود، یا باعث اشتباه می‌شود یا مستنبط را به
زحمت می‌افکند؛ زیرا باید به کتاب کافی مراجعه کند و ببیند که روایت اصلی
از چه سندی برخوردار بوده است تا بتواند بخش حذف شده سند حدیث را
بشناسد. این نکته در مجموعه روایی مانند وافی مراعات نشده و مرحوم
فیض (قده) روایات کافی را به صورت معلق آورده است و طبعاً فقیه را از
مراجعه بی‌نیاز نساخته است. اما کتاب و سائل به این نکته توجه داشته و در
چنین مواردی، سند را به طور کامل ذکر کرده است. این شیوه در جامع
احادیث شیعه نیز به کار رفته و برای اینکه مشخص شود این قسمت از سند در
خود کافی به طور معلق آمده است. تدوینگران آن را داخل دو هلال آورده و در

پایان تصریح به معلق بودن کرده اند. به عنوان مثال،

۲۰۳ (۹۲) محمد بن یحیی عن احمد بن محمد وعدة من اصحابنا عن سهل بن زیاد جميعا معلق ابن محبوب عن جميل بن صالح عن أبي عبيدة قال سألت ابا جعفر (ع) عن قول الله عز وجل: «الم تَحْلَيْتِ الرُّومُ فِي اَرْضِي» قال: فقال: يا ابا عبيدة ان لهذا تاويلاً لا يعلمه الا الله والراسخون في العلم من آل محمد صلوات الله عليهم (الحديث).^{۱۱}

سند این حدیث در کتاب کافی به نحو تعلیق آمده است، ولی چون در اینجا روایات قبلی آن نیامده، بخش محذوف سند آن نیز اضافه شده تا خواننده نیازمند مراجعه به کتاب کافی نباشد.

۵. تلفیق روایات تکراری و روش آن

۵-۱. اقسام روایات تلفیقی

روایتی که حداقل، متن آن در بیش از یک مورد تکرار شده باشد، در یک کتاب تکرار شود یا در بیش از آن، گونه های مختلف آن از حیث سندی و متنی بدین شرح است:

۵-۱-۱. وحدت سند و متن: اگر هر دو روایت از جهت سند و متن به طور کامل مثل هم باشند، نام هر دو کتاب با شماره صفحه و جلد می آید و سپس سند و متن بدان اضافه می شود، به این صورت: «۱۵۲۰۰ (۳) یب ۳۱ ج ۳- صا ۱۰۲ ج ۲- آخرین شیخ عن احمد بن محمد عن أبيه...». این بدان معناست که روایت مذکور در جلد سوم تهذیب صفحه ۳۱ و در جلد دوم استبصار صفحه ۱۰۲ تکرار شده است.

۵-۱-۲. اختلاف در سند: اگر متن روایات یکی باشد و تنها سندشان با هم

۱۱. جامع احادیث الشیعه، ج ۱، ص ۲۴۳.



اختلاف داشته باشد، یعنی اختلاف سندها باعث تعدد روایت شده است، این اختلاف سندی سه حالت دارد:

۱. سندها از آغاز تا انتها مختلف اند.

۲. سند از جهت آغاز آن مشترک و از طرف انتهای آن مختلف است.

در این دو صورت، سند و متن یکی از احادیث به طور کامل آورده و سپس سند دوم حدیث به طور کامل ذکر و به جای تکرار متن از کلمه «مثله» استفاده شده، و اگر در الفاظ اختلافات جزئی داشته اما معنا یکی بوده، تعبیر «نحوه» به کار رفته است.

۳. آغاز سند از طرف مؤلف کتاب مرجع، مختلف است، اما از انتها یعنی از طرف راویان متصل به امام (ع) مشترک است. این صورت از دو حال خارج نیست: یا یکی از سندها، نسبت به سند دیگر عام مطلق است؛ مانند خط بلند که شامل خط کوتاه تر نیز می شود، یعنی یکی از سندها طولانی تر است و بعد از یک یا چند راوی به آغاز سند بعدی می رسد و در کل سند دوم، مشترک هستند. یا اینکه این گونه نیست.

در حالت اول، ابتدا نام و مشخصات کتابی که سند طولانی از آن نقل شده، آن گاه بخشی از سند که مختص به آن است، و سپس نام کتاب دوم با مشخصات بعد از کلمه «عن» می آید و سند دوم بدان اضافه می شود؛ مانند:

جامع احادیث الشیعة، ج ۲، ص ۳۰۲: مع علوم انسانی

۲۲۳۳ (۴) یب ۶۱ ج ۱ - أخبرنی الشیخ (أیده الله) عن أبی

القاسم جعفر بن محمد عن محمد عن صا ۶۲ ج ۱ - محمد بن یعقوب

عن کا ۳۰ ج ۳ - علی بن إبراهیم عن أبیه و محمد بن إسماعیل

عن الفضل بن شاذان جمیعاً عن حماد بن عیسی عن حریر عن

زرارة قال قلت لأبی جعفر (ع): الا تخبرنی من این علمت

وقلت إن المسح ببعض الراس وبعض الرجلین فضحك ...

در این متن، سه حدیث با هم تلفیق شده است. سند حدیث تهذیب

طولانی‌تر از بقیه است. به همین جهت، تهذیب قبل از بقیه شروع شده است. سند تهذیب در امتداد خود، شامل سند حدیث استبصار هم می‌شود و از این رو، سند استبصار از همان نقطه اشتراک اضافه شده است. سپس سند این دو، سند کافی را دربر می‌گیرد؛ به همین سبب سند کافی بعد از آن دو شروع می‌شود. بنابراین سند کافی، در هر سه و سند استبصار فقط در دو کتاب مشترک است و سند تهذیب اختصاص به خودش دارد.

در حالت دوم، یعنی حالتی که آغاز سندها با هم اختلاف دارد، نام کتاب اول با مشخصات ذکر شده، سپس سند تا شخص مشترک ادامه می‌یابد. آن‌گاه نام کتاب دوم با مشخصات ذکر می‌شود و سند تا آخر می‌آید و سپس متن مشترک اضافه می‌شود. مثال: جامع أحادیث الشیعة، ج ۲، ص ۱۸۵:

۱۶۴۹ (۲۹) ب ۲۵۹ ج ۱ - أخبرنی الشیخ عن أحمد بن محمد عن أبيه عن الحسين بن الحسن بن أبان عن الحسين بن سعيد عن ابن سنان کا ۵۹ ج ۳ - محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن ابن سنان عن ابن مسکان عن الحلبي قال سألت أبا عبد الله (ع) عن دم البراغیث یكون فی الثوب هل یمنعه^{۱۲} ذلك من الصلاة (فیه - کا) قال: لا وان کثر فلا یأس ایضا بشبهه من الرعاف ینضحه ولا یفسله.

متن مذکور مثال برای روایتی است که دو سند دارد و هر دو تنها تا قبل از ابن سنان با یکدیگر اختلاف دارند و از ابن سنان تا امام (ع) با همدیگر مشترک اند. در این موارد، ابتدا نام تهذیب با مشخصات ذکر شده و تا ابن سنان که اولین راوی مشترک است، ادامه یافته است و بعد از آن سند قطع و کافی با مشخصاتش اضافه شده و سند تا امام (ع) ادامه پیدا کرده است.

۱-۳. تلفیق سندی: اگر در دو روایت متن متفاوت دارند، تمام سندی

بخشی از آغاز سند روایت دوم تکرار سند روایت اول باشد، به جای تکرار بخش مشترک، تعبیر «بهذا الاسناد» به کار می‌رود؛ مثلاً اگر سند روایتی که از تهذیب نقل شده، چنین باشد:

ی ب ۶ ج ۱ - أخبرني الشيخ (أبده الله) عن أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن أبيه عن محمد بن يحيى العطار وأحمد بن ادريس عن محمد بن أحمد بن يحيى عن عمران بن موسى عن الحسن بن علي بن النعمان عن أبيه عن عبد الحميد بن عواض عن أبي عبد الله (ع) قال سمعته يقول: من نام وهو راكع أو ساجد أو ماشٍ على أي الحالات فعليه الوضوء.

چنانچه تمام سند روایت بعدی موافق با سند این روایت باشد، به جای تکرار سند، این گونه می‌گوید: «بهذا الاسناد عن أبي عبد الله (ع) ...». یا اگر سند روایت تا عمران بن موسی مشترک باشد، این گونه می‌آید: «بهذا الاسناد عن عمران بن موسى عن الحسن بن علي بن النعمان عن أبيه عن عبد الحميد بن عواض عن أبي عبد الله (ع) قال ...».

۲-۵. دقت در نقل متون تکراری

۱-۲-۵. «مثله» و «نحوه» در وسائل الشیعه: اگر چند روایت مشابه از حیث لفظ و محتوا، در یک حکم وجود داشته و این مشابهت به اندازه‌ای زیاد باشد که با تسامح همه آنها را بتوان یکی دانست، صاحب وسائل ابتدا یکی از روایات را با سند و متن کامل آورده و آن‌گاه از کتاب‌های دیگری را که مشابه یا عین این حدیث در آنها تکرار شده، نام برده و در صورتی که سندشان با سند مذکور اختلاف کلی یا جزئی داشته، به ذکر آن پرداخته و از ذکر متن و بخش مشترک سند احتراز جسته و گاه از تعبیر «نحوه» و گاه از تعبیر «مثله» بهره برده و گاه تنها به «رواه» اکتفا کرده است. در مواردی که ایشان از تعبیر «مثله» استفاده کرده، یا عین الفاظ روایت تکرار شده یا این اختلاف به اندازه‌ای کم بوده که قابل اغماض است. اما زمانی که از تعبیر «رواه» یا «نحوه» استفاده شده، چنین

تقیدی وجود ندارد و تنها مشابهت محتوایی مقصود بوده است، به عنوان مثال:
وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۳۷۲:

۵۴۲۵- محمد بن الحسن بإسناده عن سعد عن محمد بن عیسی
عن سماعة بن مهران قال سألت أبا عبد الله (ع) عن لباس الحریر
والدیباج فقال: أما فی الحرب فلا یاس به وإن كان فیہ تمائیل.
ورواه الكلینی عن عدة من أصحابنا عن أحمد بن ابی عبد الله
عن عثمان بن عیسی عن سماعة مثله ورواه الصدوق بإسناده
عن سماعة بن مهران نحوه.

روایت کلینی، عین روایت قبلی است.

عدة من أصحابنا عن أحمد بن ابی عبد الله عن عثمان بن عیسی
عن سماعة بن مهران قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن لباس
الحریر والدیباج فقال: أما فی الحرب فلا یاس به وإن كان فیہ
تمائیل. ۱۳.

در حالی که روایت فقیه، نه تنها عین آن نیست، بلکه سخن خود صدوق
است که در ذیل روایتی بدان افزوده شده است.

... ولم یطلق للرجال لبس الحریر والدیباج الا فی الحرب ولا
یاس به وإن كان فیہ تمائیل روی ذلك سماعة بن مهران عن
ابی عبد الله (ع). ۱۴.

صاحب کتاب وافی نیز روش مشابهی را در پیش گرفته است. ایراد این
روش این است که هنگام مراجعه به آن، با موارد بسیاری مواجه می شویم که
عدم تکرار روایت و بسنده کردن به «نحوه» و «مثله» باعث اشتباه شده است؛
زیرا هرچند از نظر مؤلف، روایت کتاب های دیگر نیازمند به تکرار نبوده و از
نظر محتوا تفاوتی با روایت مذکور نداشته، اما معلوم نیست که دیدگاه دیگران

۱۳. الکافی، ج ۶، ص ۴۵۳، ج ۳.

۱۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۶۴.

نیز چنین باشد و شاید آنها نکاتی را استفاده کنند که برای مؤلف قابل استفاده نبوده است، به ویژه آنکه صاحب وسائل اخباری بوده و دیدگاه او تفاوت‌های ساختاری با تفکر اصولی داشته است؛ زیرا اخباری‌ها در تفسیر متون دینی، دقت علمای اصول را ندارند و از این رو، اصولیان نکاتی را از روایات برداشت می‌کنند که مورد توجه اخباریان نبوده است. بنابراین عالم اصولی از مراجعه به اصل روایاتی که متونشان نقل نشده، بی‌نیاز نیست. اما کتاب شریف «جامع احادیث الشیعه» که نوشته یکی از مراجع و بزرگان علمای اصولی است و شاگردان او نیز اهل دقت و نظر بودند، برای ایجاد اطمینان به خواننده فقیه اصولی با دقت بیشتری درباره روایات قضاوت کرده‌اند و برای کسی که با این اثر ارزشمند انسی داشته باشد، پرواضح است. به همین خاطر است گاه دقت‌هایی به چشم می‌خورد که انسان را به تعجب وامی‌دارد و در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

۲-۲-۵. «مثله» و «نحوه» در جامع احادیث شیعه: «مثله» در این اثر بدان معناست که عین این روایت با تمام الفاظ و تعبیراتش تکرار شده است و هیچ اختلافی میان متون آنها نیست، ولی «نحوه» یعنی تفاوت لفظ با وجود اختلافات بسیار جزئی، تأثیری در محتوا نداشته است.

تفاوت «نحوه» در این اثر با «نحوه» در وسائل این است که صاحب وسائل روایاتی را که اختلافات فاحش لفظی دارند، صرفاً به جهت اینکه از نظر ایشان دارای یک محتوا هستند، تکرار نکرده و به تعبیر «نحوه» اکتفا کرده است؛ در حالی که در کتاب جامع احادیث، تنها در مواردی «نحوه» استعمال شده است که روایات بسیار نزدیک به هم بوده‌اند؛ به گونه‌ای که حتی اهل دقت نیز اغلب میان آنها تفاوتی نمی‌فهمند. به همین جهت، هرگاه روایات تفاوت محسوس و ولو لفظی، با همدیگر پیدا کنند، جدا از هم و به طور مستقل ذکر شده‌اند. می‌توان گفت تعبیر «نحوه» در جامع احادیث شیعه، نزدیک به «مثله» در وسائل الشیعه است. به عنوان مثال:

جامع أحاديث الشيعة، ج ١١، ص ٤٥٥
(٢٩) باب ان الصائم إذا شتم أو جهل عليه يستحب له أن يتحمل ويقول سلاما

١٥١٧٥ (١) كا ١٨٧ - علي بن إبراهيم عن هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة عن أبي عبد الله عن آبائه (ع) قال فقيه ١٣٤ قال رسول الله (ص): ما من عبد صائم ١١ يشتم فيقول اني صائم سلام عليك لا اشمك كما تشتمني الا قال الرب تبارك وتعالى استجار عبدي بالصوم من شر ٢١ عبدي قد اجرته من النار .

١٥١٧٦ (٢) الجعفریات ٦٠ - بإسناده عن علي (ع) قال : قال رسول الله (ص): ما من عبد يصيح صائما فيشتم فيقول سلام عليكم اني صائم الا قال الله تعالى استجار عبدي من عبدي بالصيام فادخلوه جنتي ك ٥٦٦ - ورواه السيد الراوندي في نوادره بإسناده عن موسى بن جعفر عن آبائه عنه (ع) مثله . ثواب الاعمال ٣٠ - أبي (ره) قال حدثني عبد الله بن جعفر عن بنان بن محمد عن أبيه أمالي الصدوق ٣٤٩ - حدثنا أحمد بن هارون الفامي قال حدثنا محمد بن عبد الله بن جعفر بن جامع الحميري عن أبيه عن بنان بن محمد بن عيسى عن أبيه عن عبد الله بن المغيرة عن إسماعيل بن مسلم السكوني عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه (ع) قال : قال رسول الله (ص) وذكر نحوه وزاد فيه أجيره من نارى المحاسن ٧٢ - أحمد بن أبي عبد الله البرقي عن النوفلى عن السكونى عن أبي عبد الله (ع) قال : ما من عبد وذكر نحوه ما فى الثواب والأمالى .

١ . صالح - كا

٢ . شتم - خ فقيه

در این باب، دو روایت به طور کامل نقل شده و بعد از روایت دوم، روایت دیگری به طور خلاصه با تعبیر «مثله» و «نحوه» آمده است و با تأمل درمی یابیم که روایت دوم از نظر محتوا هیچ تفاوتی با روایت اول ندارد. اما از نظر جمله بندی تفاوت محسوسی با روایت دوم دارد. به همین جهت، روایت دوم نیز آمده است، اما چون میان روایت دوم و روایات بعدی، شباهت بسیار زیادی از نظر جمله بندی وجود داشته، به تعبیر نحوه اکتفا شده است. برای پی بردن به این شباهت روایات را از کتب مرجع آنها، عیناً ذکر می کنیم.

ثواب الأعمال، ص ۵۱:

أبي (ره) قال حدثني عبدالله بن جعفر عن بيان بن محمد عن أبيه عن أبي المغيرة عن السكوني عن جعفر بن محمد عن أبيه (ع) قال قال رسول الله (ص): ما من عبد يصبح صائماً فيشتم فيقول إني صائم سلام عليك إلا قال الرب تبارك وتعالى: استجار عبدي بالصوم من عبدي أجبروه من ناري وأدخلوه جنتي.

الأمالي للصدوق، ص ۵۸۶، ح ۶:

حدثنا أحمد بن هارون الفامی قال حدثنا محمد بن عبدالله بن جعفر بن جامع الحميري عن أبيه عن بنان بن محمد بن عيسى عن أبيه عن عبدالله بن المغيرة عن إسماعيل بن مسلم السكوني عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه (ع) قال قال رسول الله (ص): ما من عبد يصبح صائماً فيشتم فيقول إني صائم سلام عليك إلا قال الرب تبارك وتعالى استجار عبدي بالصوم من عبدي أجبروه من ناري وأدخلوه جنتي.

تفاوت این روایت ثواب الاعمال و امالی با روایت اصلی، در نحوه ادای جمله زیر است: «سلام علیکم انی صائم الآ قال الله تعالی»، «انی صائم سلام علیک إلا قال الرب تبارک و تعالی». در این دو عبارت این تفاوت ها دیده می شود: «علیک» به جای «علیکم» تقدیم و تأخیر آن از «صائم» و «الرب» به

جای «الله»، «بالصیام» و «بالصوم».

این تفاوت به اندازه‌ای ناچیز و قابل اغماض است که در اغلب اوقات خواننده متوجه آن نمی‌شود.

۳-۵. روش توضیح اختلافات جزئی در سند و متن

۱. در صورتی که در سند یا متن حدیث منقول از یکی از کتب، کلمه اضافه‌ای داشته باشد، آن کلمه به همراه نام آن کتاب در میان دو هلال نوشته شده است.

۲. اگر تعبیر یکی از کتب با تعبیر کتاب دیگر متفاوت باشد آن را در پاورقی ذکر کرده‌اند و در این صورت در پاورقی کلمه جایگزین به همراه نام کتاب، ذکر شده است.

۳. در صورتی که پایان حدیث مختص به یکی از کتب باشد، مقدار اضافه، بعد از ذکر نام کتاب در ادامه حدیث می‌آید: مثلاً:

جامع احادیث الشیعه، ج ۳:

کا ۱۳۵ ج ۳ - (عدة من أصحابنا - معلق) عن سهل بن زیاد عن غیر واحد من أصحابنا قال فقیه ۱۳۵ ج ۱ - (الصادق (ع) - فقیه) إذا رأیت المیت^{۱۵} قد شخص ببصره وسألت عینه البسری ورشح جبینه وتقلصت شفتاه وانتشر (ت - کا) منخراه فأی شیء رأیت من ذلك فحسبک بها^{۱۶} کا و فی روایة أخرى وإذا ضحک أيضا فهو من الدلائل.

در این روایت ابتدا تعلیق کافی مشخص و روایت فقیه با کافی تلفیق گردیده و کلمات اختصاصی هریک از کتاب‌ها در میان دو هلال آورده شده و اختلاف نسخ در کلمات، در پاورقی کتاب آمده است. در نهایت، بخش پایانی روایت که مخصوص کافی بوده، بعد از نام اختصاری آن اضافه شده است.

۱۵. المومن - فقیه.

۱۶. به - فقیه.

۴-۵. برخی از آثار و برکات علمی تلیفیک اسناد و متون

در نگاه اول، به نظر می‌رسد که مؤلفان محترم به جهت اختصار اقدام به تلیفیک کرده‌اند؛ در حالی که کمترین فایده آن، کاستن از تعداد جلد‌ها و قیمت تمام شده آن است، بلکه مهم‌ترین ثمره آن، مقایسه هم‌زمان چندین روایت نزدیک به هم است. فایده این شیوه آن است که اگر روایتی به جهت نقل به معنا یا اشتباه نسخه برداران یا عوامل طبیعی همچون پاک شدن مرکب و امور دیگر، دچار تعدد لفظ شده باشد و همه این اختلافات در کنار هم قرار گیرد و نسخه بدل‌هایشان مشخص شود، این کار در فهم درست حدیث به مستنبط کمک شایانی می‌کند؛ زیرا هر یک از این اختلاف‌ها در حکم قرینه‌ای برای فهم روایت دیگر است. به همین جهت، این ابتکار بسیار ارزشمند در فقه الحدیث، ستودنی است. آیت‌الله بروجردی (قده) معتقد بود که در بسیاری از موارد، روایاتی که متون مشابهی دارند، یک روایت بیشتر نیستند، اما به حسب تعداد روایاتی که شنونده حدیث بوده‌اند، به اشکال مختلفی نقل شده‌اند. اگر چنین روایاتی به طور پراکنده ذکر شوند، مقایسه‌شان دشوار خواهد شد. اما اگر با هم تلیفیک گردند و تفاوت‌هایشان به خوبی نشان داده شود، فهم مجموعه این احادیث بسی آسان خواهد گردید. البته این روش در کتاب شریف وافی نیز اعمال شده است.

یکی دیگر از آثار و برکات این روش، توثیق یافتن بسیاری از روایات ضعیف است؛ زیرا اگر در میان سندهای مختلفی که برای یک حدیث ذکر شده است، تنها یکی معتبر باشد، ضعف سندی بقیه هم جبران می‌شود. گذشته از این، تعدد یک روایت و نقل آن به اشکال مختلف نیز موجب تظافر و جبران ضعف سندی می‌گردد. اما صاحب وسائل (قده)، چنین التزامی نداشته و گاه یک روایت را که سندهای مختلف دارد، به مناسبت در ابواب مختلف و کتاب‌های گوناگون ذکر کرده و علاوه بر تطویل کتاب بر پیچیدگی آن افزوده و امکان کاربردهای فقه الحدیثی را از آن سلب کرده است.

۶. اصول حاکم بر تنظیمات ابواب کتاب

۱۶. رده بندی ابواب بر اساس ترتیب طبعی و فقهی

بهترین روش در تنظیم بخش های مختلف یک نوشته، در نظر داشتن ملاکی متناسب با موضوع آن است؛ مثلاً اگر نوشته، فلسفی باشد، باید سیر منطقی خاص خود را طی کند؛ مثلاً نباید قبل از توضیح مقدمات لازم، حرکت جوهری مطرح شود؛ زیرا درک این مسئله نیازمند مقدماتی است که بدون آنها فهم مسئله دشوار و گاه ناممکن می گردد. شاید بهترین معیار در چینش ابواب کتاب حدیثی فقهی، در نظر گرفتن حکم یا عمل شرعی است؛ یعنی اگر حکمی متوقف بر حکم دیگر یا عملی بعد از عمل دیگر باشد، ابواب مربوط به آن نیز به تبع احکام و اعمال و با همان تقدیم و تأخیر ذکر می شوند. از باب مثال، ابواب مربوط به وضو مقدم بر ابواب صلات هستند و در ابواب وضو باب غسل الوجه مقدم بر غسل الیدین است، یا حکم خیر واحد فرض شود تا تصور تعارض میان آنها نیز درست باشد. نتیجه به کارگیری این شیوه، آن است که محل هر موضوع قابل پیش بینی و دسترسی به آن سهل و آسان است. شیخ حرّ عاملی (قده) در تبویب کتاب خود به این شیوه توجه کامل داشت، اما در عمل، کتاب وی از برخی بی نظمی ها رنج می برد؛ مثلاً ایشان باب «ثبوت الکفر والارتداد بجحود بعض الضروریات و غیرها مما تقوم الحجة فيه بنقل الثقات»^{۱۷} را در ابواب مقدمه عبادات آورده است؛ در حالی که علی القاعده باید در ابواب کفر و ایمان گنجانیده می شد. همچنین وی باب «کراهة الطهارة بالماء الذی یسخن بالنار فی غسل الاموات وجوازه فی غسل الاحیاء»^{۱۸} را در میان ابواب آب مضاف و مستعمل آورده است که تناسب معقولی در آن دیده نمی شود و بهتر بود که این باب را در خلال ابواب

۱۷. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۰، باب دوم.

۱۸. همان، ص ۲۰۸، باب هفتم.

غسل یا ابواب غسل میت بیاورد.

آیت الله واعظ زاده خراسانی یکی از اعضای فعال گروه نویسندگان جامع

احادیث شیعه، در این باره می نویسد:

«سائل» هر کتاب را به چند «جماعة الابواب» و هر «جماعة الابواب» را به چندین باب، تقسیم نموده است. این رویه نیز از قدیم معمول بوده و در کتاب کافی کلینی (قدمه) تا حدودی سابقه دارد و در کافی نیز رعایت گردیده، ما نیز آن را با دقت، مرعی داشته ایم. «جماعة الابواب» یعنی طایفه ای از ابواب که مربوط به یک موضوع است؛ مثلاً صلاة الجمعة در کتاب صلاة، ابواب الوضوء در کتاب طهارت، ابواب عقد النکاح در کتاب نکاح و... .

مزیتی که کتاب مورد بحث «جامع احادیث شیعه» از این لحاظ دارد، این است که در ترتیب چند جماعة الابواب در یک کتاب و در ابواب هر یک، مناسبت و نظم طبیعی، درست مانند فصول منظم یک کتاب، رعایت شده است. این معنی در «وافی» نیز مورد توجه بوده است؛ گو اینکه در این کتاب، به طور کلی ترتیب کتاب آن احياناً با ترتیب کتب و ابواب فقهی وفق نمی دهد و خود یک ترتیب ابتکاری است.

از باب نمونه، یادآور می شویم احکام اموات را. همه محدثان و فقها به مناسبت غسل میت، در خاتمه کتاب طهارت آورده اند، اما در «وافی» از فرط اهتمام به ترتیب طبیعی میان ابواب، این احکام را در اواخر کتاب، در ردیف کتاب ارث و وصیت آورده است؛ زیرا ترتیب وقوع و ابتلا بدین مسائل در خارج، پی در پی است: شخص نزدیک مرگ مریض می شود، آن گاه وصیت می کند، سپس می میرد، آن گاه

وظایف و احکام راجع به جسد وی مورد عمل قرار می‌گیرد،
آن گاه نوبت به ارث می‌رسد... .

و می‌توان گفت: عملی که ما در کتاب مورد بحث راجع به
ترتیب کتب و ابواب انجام داده‌ایم، مانند موضوع پیش از
این، جامع میان روش «وسائل» و «وافی» است، به این معنا
که در اصل ترتیب کتب و تشکیل «ابواب الجماعة» بیشتر
اسلوب «وسائل» و به طور کلی روش معمول فقها و محدثان
را در نظر گرفته‌ایم، اما در ترتیب میان ابواب و فصول، سعی
وافر مبذول داشته‌ایم که ترتیب شایسته و طبیعی را مانند
«وافی» به کار بندیم. ۱۹.

۲-۶. تقدیم روایات اصولی

یکی از خدمات بزرگ این کتاب به اهل تحقیق، تنظیم روایات مربوط به
مسائل اصولی و چینش آنها بر اساس مباحث اصولی در جلد اول است که در
نوع خود بی‌نظیر است؛ زیرا استقصای کاملی از تمام احادیث مرتبط با مباحث
اصولی را در اختیار مستنبط قرار می‌دهد و او را از جستجوی در میان ابواب و
کتب بی‌نیاز می‌کند؛ مثلاً در باب حجیت خبر واحد، اولاً، تمام آیات مرتبط با
آن را می‌آورد. ثانیاً، ۱۲۶ روایت شماره‌گذاری شده را بدان می‌افزاید؛ در
حالی که اگر روایات تلفیق شده را در نظر بگیریم، شماره روایات به بیش از
دویست روایت خواهد رسید. ثالثاً، به همین مقدار اکتفا نشده و علاوه بر انبوه
روایات ذکر شده، نشانی ابواب و احادیثی که در ابواب دیگر آمده و به نحوی
می‌تواند دلالت بر حجیت خبر واحد کند، بدان افزوده شده است.

این خدمت بزرگ، در هیچ یک از جوامع حدیثی به طور خاص مدنظر

۱۹. زندگی‌نامه آیت‌الله بروجردی (قده) به قلم آیت‌الله واعظ زاده خراسانی. این
جزوه در پایگاه اینترنتی اطلاع‌رسانی آیت‌الله بروجردی (قده) به آدرس:

جامعیت روایی، مهم‌ترین شاخص و ویژگی جامع احادیث الشیعیه است. تلاش فقیه عالی‌قدر و لجنه‌های علمی تحت نظر ایشان، بر این بود تا فقیه را از مراجعه به هر کتاب حدیثی دیگری بی‌نیاز سازند تا چنانچه فقیه‌ی این کتاب را به دست می‌گیرد، دغدغه‌خاطری برای مراجعه به کتاب دیگری نداشته باشد.

نبوده و به دلیل پراکنده بودن احادیث آنها در ابواب دیگر، خود فقیه باید به دنبال تک تک روایات بگردد و آنها را جمع‌آوری کند. این امر، نشانه نظم و دقت فکری اصولی حاکم بر جریان کار حدیثی و منعکس‌کننده تفاوت تفکر اخباری و اصولی در تبویب روایات و نوع نگاه به آن است. به ترتیب این ابواب نگاه کنید: باب فرض طلب علم و حجت، باب حجیت ظواهر کتاب، باب حجیت سنت رسول خدا (ص)، باب حجیت کلام ائمه (ع)، باب حجیت اخبار ثقات، باب ما یعالج به تعارض الروایات، باب عدم حجیت قیاس و رأی و اجتهاد، باب برائت و احتیاط، باب استصحاب، باب احادیث من بلغ، باب اشتراط عقل در بلوغ.

۳۶. جدا کردن احادیث آداب و اخلاق

احادیث آداب و سنن دو گونه‌اند: یا مربوط به عمل واجب‌اند؛ مانند نماز که در کنار اعمال واجب، طیف وسیعی از مستحبات را نیز دربر می‌گیرد. این نوع از آداب و سنن در کنار ابواب اصلی و واجبات ذکر شده‌اند؛ مانند آداب مربوط به نماز از قبیل بلند کردن دست‌ها در حالات مختلف نماز، طول دادن سجده، تکرار اذکار و غیر آن. یا اینکه آداب، مستقل هستند و عنوان مستقلی دارند؛ مانند آداب مربوط به نوره، حجامت، آراستگی و رنگ مناسب کفش و لباس... این نوع از آداب و سنن، برخلاف سایر کتب حدیثی، جداگانه و در کتاب مخصوصی گنجانده شده است تا دسترسی به مجموعه آنها برای فقیه آسان‌تر گردد.

اما کتاب وسائل الشیعه مملو از آداب و سننی است که به خاطر کمترین مناسبتی در میان ابواب، پراکنده شده است؛ مثلاً در کتاب طهارت به مناسبت تطهیر ظروف، ابوابی چند درباره اقسام ظروف و استحباب یا کراهت اکل و شرب در آن اضافه شده و در کتاب صلوات به مناسبت لباس نمازگزار، ابواب بسیار در زمینه لباس و جنس و رنگ آن و به طور کلی احکام آرایش و تجمل آمده و یا در مقدمه کتاب حج، آداب معاشرت و سفر و بسیاری از آداب اجتماعی را طرح شده است؛ همان طور که در کتاب امر به معروف و نهی از منکر تحت عنوان «ابواب فعل المعروف» قسمت عمده مسائل اخلاقی و واجبات و محرمات نیز مذکور است. آیت الله العظمی بروجردی (قده) می فرمود:

این نوع مطالب در عین اهمیت، پاره ای از آنها، به کار فقه نمی آیند و مورد احتیاج فقیه نیست، و ایراد آنها در خلال موضوعات اصلی فقهی در کتاب حدیث، باعث تشویش خاطر طلاب و مراجعین به کتاب خواهد بود.^{۲۰}

ایشان در این زمینه سبک کتاب کافی را می پسندید. کتاب کافی نیز آداب و مستحبات را به طور مستقل تحت عناوینی نظیر «کتاب الزی والتجمل والمرءة»^{۲۱} یا «کتاب العشرة»^{۲۲} و امثال آن آورده و از پراکندگی و اختلاط ناموجه آنها پرهیز کرده است.

۴۶. مسئله محوری در تبویب احادیث

بهترین نوع تبویب در مجموعه روایات فقهی، ترتیب ابواب و عناوین نیز فقهی خواهد بود؛ زیرا این هماهنگی باعث سهولت در دسترسی به روایات هر مسئله می شود و از همین رو، تمام کسانی که مجموعه های حدیثی فقهی

۲۰. همان.

۲۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۳۸.

۲۲. همان، ج ۲، ص ۶۳۵.

نوشته‌اند، از این اصل تبعیت کرده‌اند.

صاحب وسائل (قده) به این اصل پای‌بند بود و چنان که در مقدمه تصریح می‌کند،^{۲۳} به دنبال آن بود که بر اساس ترتیب مسائل و احکام فقهی، احادیث مربوط به این مسائل را تبویب کند تا فقیه در یافتن احادیث مرتبط با آن مسئله، با مشکل مواجه نشود. ایراد آیت‌الله بروجردی (قده) به زیاده‌روی صاحب وسائل در این روش پسندیده بود؛ زیرا روایات مرزهایی به روشنی و شفافیت مسائل فقهی ندارند. چه بسا یک روایت با یک مضمون غیر قابل تقطیع، به چند باب مرتبط باشد. اگر این گونه روایات تحت یک عنوان بیاید و در ابواب دیگر تکرار نشود، گمان می‌کند که تمام احادیث مربوط به مسئله در ذیل عنوان آن ذکر شده، غافل از اینکه روایات فراوانی به جهت تنوع ابواب، در میان ابواب پراکنده شده است.

برای چنین روایاتی باید یکی از دو محذور را بپذیریم: یا از تکثیر باب‌ها بپرهیزیم و گاه چند مسأله را تحت یک عنوان بیاوریم و تقسیم روایات را به حسب مسائل به عهده فقیه بگذاریم. حسن این کار، در صیانت بر جامعیت باب نسبت به تمام احادیث مرتبط به عنوان باب است. راه دوم این است که به حسب هر مسئله فقهی، بایی را تنظیم کنیم که پیامد آن، تقسیم شدن روایات مشترک در برخی از ابواب و غفلت فقیه از تمام احادیث مرتبط به تک تک مسائل فقهی است. این همان اتفاقی است که در وسائل رخ داده است.

نویسنده محترم جامع احادیث شیعه، گزینه اول را انتخاب کرده و جامعیت و صیانت را بر مسئله مسئله کردن ابواب آن ترجیح داده است؛ کاری که بحق با غایات و اهداف فقیه سازگارتر است؛ چرا که هر فقیهی، اطمینان از دیدن همه احادیث مرتبط را بر تنظیمات دقیق روایات ترجیح می‌دهد.

۵۶. تنظیمات داخل باب

یکی از زیبایی‌های کتاب جامع احادیث الشیعه، نوع تبویب احادیث در

ذیل هر باب است که این نکات در آنها مورد توجه قرار گرفته است :

الف) تقدیم روایات موافق با نظر مشهور بر روایات معارض ؛

ب) تقدیم احادیث عام بر خاص ؛

ج) تقدیم روایات مطلق بر مقید ؛

د) ترتیب احادیث بر اساس اتحاد مضمون یا مشابهت لفظی یا اشتراک از نظر راوی آخری که از امام (ع) نقل حدیث کرده است ؛ مثلاً تمام روایات مندرج در آن باب که از یک راوی نقل شده باشد، در کنار هم قرار گرفته است . این کار نوعی همراهی با فقیه در برگرداندن چندین حدیث به یک حدیث است . آیت الله بروجردی (قده) خود بر این مبنا بود که در اغلب موارد، چند روایت به ظاهر مختلف که از یک راوی نقل شده، در واقع یک روایت بیشتر نیست و گذشت زمان و تکرار روایت در کتب حدیثی مختلف و اشتباه در نقل و استنساخ و غیر آن، باعث تکثر ظاهری آنها شده است .

و) چون روایات کتب اربعه بیشتر از کتب حدیثی دیگر اعتبار دارد، در این مجموعه توجه خاصی به آنها شده است و به همین جهت، احادیث آنها بر سایر روایات تقدم یافته است، مگر اینکه با چهار مورد قبلی منافات داشته باشد . در مثل اگر حدیث کافی خاص و حدیث دعائم عام باشد، حدیث دعائم مقدم می شود، اما اگر حدیث هر دو عام باشد، حدیث کافی بر حدیث دعائم مقدم داشته می شود .

۶۶ . جامعیت احادیث ابواب

گذشته از جامعیت کتاب جامع احادیث شیعه که در استقصای روایات فقهی داشته، هریک از ابواب آن نیز جامعیت شگفت آوری در مسئله فقهی مورد نظر دارد؛ زیرا علاوه بر جمع آوری تمام احادیث مرتبط با موضوع، آدرس سایر احادیثی که در ابواب پیشین یا پسین آمده و به نحوی مرتبط با عنوان باب و مؤثر در فهم باشد، در پایان باب، ذکر شده است . حوصله نویسندگان در جستجو و بررسی تمام احادیث مجموعه و آدرس دادن به هر باب و حدیثی

با اندک ارتباط، هر خواننده‌ای را شگفت زده می‌کند.

نحوه آدرس دادن به ابواب و احادیث، به این ترتیب است: نام راوی، نام باب، نام مجموعه ابواب، شماره حدیث، و چون ممکن است در چاپ‌های مختلف و با اندک تغییراتی، شماره جلدها و صفحات تغییر یابد، شماره آنها در آدرس نیامده است.

البته اگر نیاز به ذکر نام مجموعه ابواب یا باب نبوده، نام آن آورده نشده است؛ مانند اینکه پیش از آن نامش آمده باشد و خواننده بداند که مقصود کدام باب است.

همچنین اگر همه یا اغلب روایات باب خاصی مرتبط با موضوع بوده، نام راوی و شماره حدیث حذف و فقط به نام آن باب با تعبیرهایی چون «وفی کثیر من احادیثه او اکثرها او جمعها ما يدل علی ذلك» اشاره رفته است. نام باب ارجاعی اگر کوتاه بوده، همان تکرار گردیده و اگر طولانی بوده، تنها مضمون آن نوشته شده است.

در ارجاعات، ابواب گذشته بر حسب تقدم الاقدم فالاقدم و ابواب پیش رو بر حسب قرب الاقرب فالاقرب، تنظیم یافته است.

این در حالی است که شیخ حرّ عاملی (قده) در کتاب و سائل، گاه یک موضوع را به مناسبت اینکه با مباحث گوناگون ارتباط پیدا می‌کند، مجدداً مطرح ساخته و در هر بار تکرار، تنها بخشی از روایات مربوط به آن را ذکر کرده است؛ در نتیجه، فقیه در گردآوری روایات آن باب به تحیر می‌رسد و گاه به دلیل عدم آگاهی از روایات یک موضوع، براساس همان روایات ناقص و محدود، فتوا می‌دهد؛ مثلاً مسئله «حد بلوغ» بارها تکرار شده، و نویسنده در هر بار تنها تعداد از روایات آن را ذکر کرده است. مواردی که احادیث حد بلوغ تکرار شده، عبارت‌اند از: مقدمه العبادات، کتاب صلاة، حجر، مقدمات نکاح و....

از سوی دیگر، چنانچه حدیث یا احادیثی به احادیث موضوعی مرتبط

باشد، ایشان فقط با بیان «تقدم ما يدل على ذلك» یا «یاتی ما يدل على ذلك» اکتفا کرده و آدرس ما تقدم و ما یاتی را مشخص نکرده است که لازمه آن جستجوی تمام کتاب و سائل برای یافتن محل ارجاع است، حتی گاه بعد از بررسی فراوان خواننده گمان می کند که از اساس چنین چیزی وجود خارجی ندارد و اشتباهی از مؤلف محترم رخ داده است.

۷۶. روش شماره گذاری احادیث

هر حدیث، دو شماره در آغاز خود دارد. شماره اول، شماره پیاپی احادیث کتاب و شماره دوم که در میان دو هلال قرار می گیرد، شماره احادیث همان باب است.

۸۶. روش آدرس دادن احادیث

در شروع هر حدیث بعد از ذکر نام کتاب، شماره صفحه و در صورتی که بیش از یک جلد باشد، شماره جلد آورده شده است؛ مانند: کافی ۷۰ ج ۱، فقه الرضا ۳۷۸، تهذیب ۱۸۶ ج ۴.

ترتیب رایج این است که شماره جلد قبل از شماره صفحه آورده شود، ولی این ترتیب در این اثر رعایت نشده و شماره صفحات پیش از شماره جلدها قرار گرفته است؛ زیرا تمام کتاب ها شماره صفحه دارند، اما همه آنها شماره جلد ندارند و برخی تک جلد هستند. به همین جهت، وجه اشتراک همه کتاب ها که صفحه است، قبل از شماره جلد که اختصاص به برخی دارد، آورده شده است. البته بهتر بود که روش رایج متابعت می شد.

۷. مقدمه کتاب

یکی از ویژگی های حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قده)، پرهیز از هر نوع حرکت اختلاف برانگیز میان شیعه و سنی بود. ایشان معتقد بود که امروز مشکل مسلمانان، اثبات ظلم خلفا و ناحق بودن آنها نیست؛ زیرا این کار هیچ ثمری جز شعله ور ساختن آتش فتنه ندارد. روش ایشان در تقریب علمی

مذاهب و پیشبرد تشیع، اثبات این نکته بود که ائمه (ع) به عنوان اصحاب و تابعین رسول خدا (ص) مورد قبول اهل تسنن نیز هستند. بنابراین اگر ما ثابت کنیم که معارف و احکام مکتوبی که املائی رسول خدا (ص) و نوشته حضرت امیر (ع) است، در اختیار ائمه بود و طبق آن فتوا می‌دادند، اهل سنت نیز ملزم به استفاده از احادیث آنان خواهند شد. به همین جهت، او مقدمه مفصلی را در اثبات این مطلب نگاشت. البته عمر شریفش کفاف پایان دادن به این مقدمه را نداد و پسر ایشان، کار او را تکمیل کرد. این مقدمه در جلد اول کتاب جامع احادیث شیعیه به چاپ رسیده است.

ج) نقد و نظر

۱. نقد

استحکام کتاب جامع احادیث الشیعیه، به اندازه‌ای است که در میان دیگر مجامع حدیثی همچون کوهی استوار به چشم می‌آید و مانند خورشیدی پرفروغ است که با طلوع آن ستارگان دیگر ناپدید می‌شوند. با این حال، به دور از خیرخواهی است که انسان نقاط ضعف و ایرادهایی را در آن مشاهده کند و متذکر آن نشود که این نوعی ظلم و بدخواهی به کتاب، مؤلفان و خوانندگان است. از این رو، ضعف‌هایی چند را که پس از تأمل ثابت شده، در این بخش ارائه می‌دهم تا شاید مقدمه‌ای برای تکمیل، رشد و بالندگی آن گردد.

۱-۱. استقصای ناقص آیات الاحکام

برخلاف عنایت تام و دقیقی که در جستجو، گزینش و جمع‌آوری روایات به کار رفته، این شیوه درباره آیات، با بی‌مهری مواجه شده است. گذشت که یکی از ویژگی‌های این اثر، جامعیت آن در مورد روایات مسائل فقهی است؛ یعنی هر روایتی ولو با کمترین دلالتی بر عنوان باب، در آن گنجانیده شده است، حتی چنانچه آن روایت، در باب دیگری باشد به آن ارجاع داده شده است؛ در حالی که این رویه در آیات به کار نرفته و تنها بخشی از آیات مرتبط با

عنوان باب، در ابتدای آن آورده شده است. این کاستی و غفلت با اهداف نگارش کتاب ناسازگار است؛ زیرا هدف این بود که فقیه با وجود این کتاب از جستجوی آیات الاحکام در قرآن بی نیاز گردد و برای متبّع روشن است که این خواسته در کتاب «جامع احادیث شیعه» محقق نشده است. به عنوان مثال، در جلد ۲۲، ذیل «باب تحریم صحبة السلاطین و اعانة الظالمین و مدحهم و محبة بقائهم طمعاً لما فی ایدیهم» تنها به ذکر آیات زیر اکتفا شده است:

- وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ. ۲۴

- وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. ۲۵

- فَلَا تَقْعُدُوا بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. ۲۶

- وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ. ۲۷

- وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسَّكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ

اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ. ۲۸

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّ وَعَدُوِّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْفُونَ

إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ. ۲۹

در حالی که علاوه بر برخی از آیات مذکور، در بحار الأنوار (ج ۷۲، ص

۳۶۸، باب ۸۲ «الركون إلى الظالمين وحبهم واطاعتهم» این آیات نیز اضافه

شده اند:

- وَأَتَّبِعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ. ۳۰

۲۴. سوره مائده، آیه ۲.

۲۵. سوره مائده، آیه ۵۱.

۲۶. سوره انعام، آیه ۶۸.

۲۷. سوره توبه، آیه ۴۷.

۲۸. سوره هود، آیه ۱۱۳.

۲۹. سوره ممتحنه، آیه ۱.

۳۰. سوره هود، آیه ۵۹.

۳۱ - فَاتَّبِعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ .

وَمَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا . ۳۲

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ

يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ . ۳۳

قَالَ رَبِّ بِمَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ . ۳۴

أَحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

فَاهْتَدَوْهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ . ۳۵

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ

الْبُشْرَىٰ قَبْرًا عِبَاد . ۳۶

وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ . ۳۷

قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مِنْ لَمِّيذِهِ مَا لَهُمْ وَلَا

خَسَارًا . ۳۸

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا . ۳۹

البته علامه مجلسی (قده) نیز برخی از آیات مذکور در جامع احادیث شیعیه را نیاورده است. آنچه مقصود ماست، توجه دادن به آیات متعددی است که دلالت مطابقی و یا التزامی و تضمنی بر عنوان باب دارند، ولی ذکر نشده‌اند. این آیات به آنچه در بحار ذکر شده است نیز محدود نمی‌شود و برخی از آیات

۳۱ . سوره هود، آیه ۹۷ .

۳۲ . سوره کهف، آیه ۵۱ .

۳۳ . سوره شعراء، آیه ۱۵۰ - ۱۵۲ .

۳۴ . سوره قصص، آیه ۱۷ .

۳۵ . سوره صافات، آیات ۲۲ - ۲۳ .

۳۶ . سوره زمر، آیه ۱۷ .

۳۷ . سوره جن، آیه ۱۹ .

۳۸ . سوره نوح، آیه ۲۱ .

۳۹ . سوره انسان، آیه ۲۴ .

دیگری را که می تواند با مسئله مورد بحث مرتبط باشد، می آوریم. در این آیات وازگانی به کار رفته که از مشتقات طاغوت، کفر، ولایت و اطاعت است:

- لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. ۴۰

- الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا. ۴۱

- وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ. ۴۲

- وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادَ. ۴۳

- وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِمَعْزُمِهِمْ أَوْلِيَاءَ بَعْضٍ إِلَّا تَتَمَلَّوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ. ۴۴

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرْدُوكُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ فَتَنَقَّلُوا خَاسِرِينَ. ۴۵

۲-۱. تقطیع آیات الاحکام

در این مجموعه برخلاف روایات، در آیات قرآن تقطیع اعمال شده است

۴۰. سوره بقره، آیه ۲۵۶.

۴۱. سوره نساء، آیه ۷۶.

۴۲. سوره نحل، آیه ۳۶.

۴۳. سوره زمر، آیه ۱۷.

۴۴. سوره انفال، آیه ۷۳.

۴۵. سوره آل عمران، آیه ۴۹.



و به همین جهت، مستنبط را از مراجعه به قرآن و مشاهده اصل آیه بی نیاز نمی کند. با تقطیع آیه، پس و پیش آیه حذف و تنها جمله ای که ارتباط مستقیمی دارد، ذکر می شود و در نتیجه فضای آیه، مبهم باقی می ماند، حتی گاه مشخص نمی شود که این خطاب متوجه چه کسانی بوده است؛ مثلاً در این آیات،^{۴۶} تنها بخش های مشخص شده از آیات آورده شده و از بقیه آنها صرف نظر شده است. در آیه اول، مجلس و افرادی که جلوس با آنان نهی شده است، مشخص نیست و در آیه دوم، کسانی که از محبت آنان نهی شده است، نامعلوم است:

وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى

يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَعْمُدْ بَعْدَ

الدُّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.^{۴۷}

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ

أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَبِإِنَّهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

الظَّالِمِينَ.^{۴۸}

۳-۱. مشخص نشدن «عدة من اصحابنا» در اسناد کافی

یکی از اهداف مهم کتاب جامع احادیث الشیعیه، بی نیاز کردن فقیه از مراجعه به سایر کتب حدیثی است:

مراصبا لتسهيل طرق الاطلاع والعثور بحيث لا يحتاج معه الفقيه

إلى غيره ويستغنى به عما سواه.^{۴۹}

از همین رو، دقت و کوشش فراوانی صورت گرفته است تا خاطر خواننده

۴۶. جامع احادیث الشیعیه، ج ۲۲، باب تحریم صحبه السلاطین واعانه الظالمین ومدحهم ومحبه بقائهم طمعا لما فی ابدیهم.

۴۷. سوره انعام، آیه ۶۸.

۴۸. سوره مائده، آیه ۵۱.

۴۹. جامع احادیث الشیعیه، ج ۱، مقدمه ص ۱۸.

محترم را در مطالب منقول آسوده گرداند و نگرانی او را از مراجعه و نیاز به منبع دیگر، برطرف سازد. مؤلف محترم در توضیح نکته پنجم از روش کتاب گفته است که تعلیقات کافی را در کتاب خود آشکار کرده و توضیح داده که کلینی (قده) مقید به ذکر تمام سند خود بوده و فقط در صورتی که سند روایت بعدی در تمام یا بخشی از آغاز سند، با سند روایت قبلی تطابق داشته، بخش مشترک را تکرار نکرده است و چون کتاب حاضر روایت قبلی را همراه با روایتی که سندش تعلیق شده است، نیاورده، بنابراین لازم است تا آن را آشکار سازد و این کار را نیز انجام داده است. ایشان در ادامه از کتاب تهذیب و من لایحضر اسم می برد و اینکه مؤلفان این دو در اغلب موارد احادیث را مرسل آورده و در پایان کتاب، سلسله سند خود را تاراوی، ذکر کرده اند.

اما این سؤال مطرح است که اولاً محذوفات اسناد کافی منحصر در تعلیقات نیست، بلکه مرحوم کلینی (قده) در بسیاری از موارد به جای اینکه بخشی از سند را ذکر کند، فقط به ذکر «عدة من اصحابنا» اکتفا کرده و در پایان کتاب، مقصود خود را از آنها بیان داشته است. این مسئله زمانی مشکل ساز خواهد شد که بدانیم «عدة من اصحابنا» به حسب افرادی که به آنها ختم می شوند، متفاوت هستند و مشکل سازتر اینکه در اثر حاضر، این افراد نه تنها آشکار نشده اند، بلکه در پایان کتاب هم اسمی از آنها به میان نیامده است؛ در حالی که طبق غرض کتاب، همانند تعلیقات، باید «عدة من اصحابنا» نیز آشکار می شدند؛ زیرا در غیر این صورت، مستنبط به کتاب کافی رجوع کند.

۴-۱. مشخص نشدن اسناد تهذیب و من لایحضره الفقیه

اشکال یاد شده، در روایات مرسل تهذیب و فقیه نیز مطرح می شود؛ زیرا شیخ طوسی (قده) در تهذیب، تنها نام صاحب اصل یا کتابی را که حدیث از آن نقل شده، آورده و طرق خود را به صاحب اصل یا کتاب در پایان کتاب یا فهرستش بیان داشته است. شیخ صدوق (ره) نیز در کتاب من لایحضر اغلب به ذکر نام آخرین راوی که حدیث را از امام (ع) شنیده، اکتفا کرده و در پایان کتاب خود، سلسله

اسناد را به طور کامل آورده است. اما غفلت مؤلفان «جامع احادیث شیعیه» باعث شده تا این روایات با سند ناقص ذکر شوند؛ در نتیجه اغلب روایات تهذیب و فقیه در این اثر، مرسل هستند و دست کم این اسناد حتی در پایان کتاب نیز نیامده‌اند. انتظار می‌رفت که در این موارد، افتادگی سند را اضافه کنند و برای امانت‌داری، آن را داخل دو هلال قرار دهند و حتی به آخر کتاب نیز حواله ندهند تا بدین وسیله خواننده از مراجعه به کتب تهذیب و فقیه بی‌نیاز گردد.

۵-۱. نامفهوم بودن برخی از علائم

استفاده از علایم برای کتب حجیم و دقیقی مانند جامع احادیث امری کاملاً طبیعی است، به شرط اینکه این علایم در مقدمه به خوبی توضیح داده شوند. به عنوان مثال، در این کتاب به جای کلمه «نسخه بدل» علامه رمزی «خ» به کار رفته و به جای کلمه «نسخه اصلاحی»، در مواردی که مؤلف نظر اصلاحی خود را درباره سند یا متن می‌دهد، از علامت «خ ل» استفاده شده و در مقدمه هیچ توضیحی در مورد این علایم نداده‌اند.

۶-۱. غفلت در مراجعه به کتب اصلی

در مباحث گذشته توضیح دادیم که اگر حدیثی در «وسائل» یا «مستدرک» به نام کتابی ذکر شود که در نسخه‌های موجود از مصادر اصلی، یافته نشود، حدیث به خود آن دو کتاب استناد داده و از آنها نقل می‌شود؛ مانند نوشته‌اند:

۲۹۸ (۱۸۷) مستدرک ۲۴۸ ج ۱۷ - عوالی اللثالی عن النبی (ص)

قال: العلم مخزون عند أهله وقد امرتم بطلبه منهم.^{۵۰}

این نوع اسناد بدان معناست که این حدیث در نسخه‌ای از عوالی اللثالی که امروزه در دسترس ماست، وجود ندارد، ولی حاجی نوری آن را در مستدرک از همین کتاب نقل کرده است؛ زیرا این حدیث در نسخه‌ای که در اختیار

حاجی نوری بوده، وجود داشته است.

این در حالی است که اگر به نسخه موجود عوالی مراجعه کنید، این حدیث را بدون کوچک ترین تفاوتی در عوالی اللشالی خواهید یافت که آمده:

۸- وقال النبی (ص) العلم مخزون عند أهله وقد أمرتم بطلبه منهم (عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۶۱).

مشابه این اتفاق در ج ۱۱، ص ۴۵۶، باب ۲۹، ح ۱۵۱۷۶ (۲۱) از مستدرک به نقل از سید راوندی نقل شده؛ در حالی که این روایت با قدری تفاوت، در خود نوادر ذکر شده است. تا جایی که اینجانب بررسی کردم، این گونه غفلت اندک نبوده و نیازمند تصحیح است.

۲. پیشنهاد

در نهایت پیشنهاد ما این است می شود که برای برطرف ساختن ضعف های مذکور، گروهی از فضلا و علما اقدام به تصحیح مجدد این اثر کنند و این کتاب بسیار ارزشمند را که یادگار آیت الله بروجردی و ثمره عمر او و آیت الله ملایری (قده) است، از هر نوع ضعفی بیبرایند. در ضمن گاه زمزمه هایی از سوی برخی از فضلا در مورد نگارش جوامع روایی جدید! به گوش می رسد. توصیه ما این است که این عزیزان به جای این کار، ضعف های این کتاب را برطرف سازند و همین مجموعه را ترویج و تثبیت کنند؛ زیرا اگر اثری که با تدبیر و اشراف فقیه عالی قدری همچون آیت الله بروجردی (قده) نوشته شده، این گونه به آن بی توجهی شود، قطعاً کار دیگران نیز بی مهری قرار خواهد گرفت.

۳. دلایل استقبال نکردن حوزه از «جامع احادیث الشیعه»

با وجود همه امتیازاتی که این اثر دارد، حوزه از آن استقبال گرمی نکرد و با سردی تمام با آن مواجه شد! آنچه تعجب انسان را برمی انگیزد، این است که

مؤلف این اثر، آیت‌الله العظمی بروجردی (قده)، کسی نیست که حوزویان در فضل او شکی به دل راه دهند و در مهارت‌های حدیثی و دقت‌های اصولی و ذکاوت سرشار و توانمندی‌های فراوان او تردید کنند، به ویژه اگر توجه کنیم که ایشان این کتاب را به کمک بیست نفر از شاگردان زبده خود در مدتی بیش از ده سال نوشت و بعد از وفات ایشان چندین بار تصحیح و بازبینی شد. این کتاب با وجود ضعف‌هایش، قابل مقایسه با هیچ مجموعه حدیثی نیست. از این رو، این سؤال در ذهن هر آگاهی جوانه می‌زند و کنجکاو وی را برانگیزد که علت این کم‌توجهی چیست؟ آنچه بعد از تأمل فراوان و پرس و جو برای ما روشن شد، دلایل چندی است که به آنها اشاره می‌کنیم.

۱-۳. معرفی نشدن اثر

اگر پیامبران خدا در خانه خود می‌ماندند و به تبلیغ رسالت نمی‌پرداختند، کمتر کسی به ایشان ایمان می‌آورد. به همین خاطر، آنان تبلیغ در گران‌بهای توحید و معارف و احکام الهی را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار دادند. بهترین کتاب حدیثی نیز اگر به گونه شایسته‌ای معرفی نشود، مهجور خواهد ماند.

از سوی، عمر آیت‌الله بروجردی (قده) همزمان با اتمام نگارش اولیه کتاب، به پایان رسید و از سوی دیگر، متأسفانه پس از ایشان گروه بازبینی و تصحیح پراکنده و ادامه کار در عمل بدون هیچ نوع پی‌گیری از سوی مراجع وقت رها شد. در این میان علاقه سرشار و ذوق سلیم و احساس تکلیف یکی از شاگردان، یعنی آیت‌الله معزی ملایری (قده)، از هدر رفتن تلاش‌های استاد جلوگیری کرد و امیدهای نوی برای ادامه کار پدید آورد. او یکه و تنها کار را ادامه داد که طبعاً روند آماده‌سازی مطالب به کندی پیش می‌رفت و همین امر نیز باعث شد تا چاپ و عرضه اثر با کندی همراه باشد. از هم پاشیدگی گروه تألیف نیز باعث شد که تبلیغ مناسبی از این اثر انجام نگیرد و در نهایت شد، آنچه نباید می‌شد.

۲-۳. شیفتگی مفرط به آثار گذشتگان

ارج نهادن بر آثار گذشتگان علم، امری معقول و ضروری است؛ زیرا هر

علمی در پیشرفت‌های کنونی خود و امدار آثار گذشتگان خود است. اما اگر این ارج‌گذاری به شیفتگی و اعتقاد مفرط مبدل شود، از آثار نو با سردی استقبال خواهد شد، حتی اگر این آثار بسیار شایسته‌تر از آثار گذشتگان باشد. ما شاهد این فاجعه علمی در حوزه علمیه هستیم. اعتقاد به لمعه و رسائل و مکاسب که گاه تا حد تقدیس آنها پیش می‌رود، از این سنخ است. به اعتقاد ما، پایداری این کتاب‌ها پیش از اینکه نشان‌دهنده عظمت نویسندگان آن باشد، نشان‌دهنده ضعف و فتور در علمای بعد از ایشان است که با وجود تکاملی که در تمام علوم از جمله فقه و اصول حاصل شده، نتوانسته‌اند اثر شایسته‌تری را به حوزه ارائه دهند.

این رفتار باعث دل‌سردی استعدادها و نوابغ حوزه می‌گردد و به همین جهت است که پیشرفت و تکامل در علوم حوزوی با کندی تمام انجام می‌گیرد. برخی علمای اصولی به این مسئله توجه ندارند که اگر کتابی ولو حدیثی با تفکر اخباری نوشته شود، نمی‌تواند متن مناسبی برای تفکر اصولی باشد؛ زیرا دقت و حدتی که در تفکر اصولی وجود دارد، در تفکر اخباری کمتر یافته می‌شود. از این روست که تسامحات و سائل‌الشیعه را در جامع احادیث شیعه نخواهید یافت.

برای ما ثابت شده است که مهم‌ترین مانع از جا افتادن این اثر گران سنگ، فرهنگ عتیقه‌گرایی در حوزه و استقبال سرد از کارهای تازه است.

۳-۳. فقدان ایثار و شهامت علمی

با گذشت زمان و توسعه حوزه‌های علمیه و تقویت ارتباط آنها با یکدیگر، انجام برخی از تغییرات با دشواری بیشتری همراه می‌شود؛ مثلاً سیصد سال پیش، ارتباط تنگاتنگی میان دروس و حوزه‌ها نبود. به همین خاطر، اگر در حوزه‌ای به جای لمعه کتاب دیگری خوانده می‌شد یا برخی از کتب ادبی خوانده نمی‌شد، حساسیتی بر نمی‌انگیخت. اما یکپارچگی نسبی‌ای که به مرور زمان ایجاد شد و فی حد نفسه طبیعی و میمون است، موجب گشت تا تغییرات نیز با کندی و همراه با هماهنگی با کل مجموعه یک پارچه انجام گیرد. در مثل در

فضایی که متن حدیثی تمام دروس خارج فقه، «وسائل الشیعه» است، به دست گرفتن «جامع احادیث شیعیه» و متن حدیثی قرار دادن آن، دشوار خواهد بود؛ زیرا اولاً، ممکن است که عده‌ای این کار را ضعف درس آن استاد تلقی کنند. ثانیاً، آدرس دادن مطالب مشکل می‌شود؛ زیرا ارجاع به کتابی که هنوز شایع نشده است، ضعف شمرده می‌شود. ثالثاً، تهیه چنین کتابی برای طلاب دشوارتر از تهیه کتابی است که در هر کوی و برزنی پیدا می‌شود.

البته چنین اقدامی، قبل از هر چیز، نیازمند شجاعت و شهامت و از خودگذشتگی علمی است. به هر حال، اگر مراجع و بزرگان بعد از آیت‌الله بروجردی (قده) به جای وسائل الشیعه، متن درس خارج خود را جامع احادیث شیعیه قرار می‌دادند، شاگردان ناچار می‌شدند به جای خرید وسائل، جامع احادیث بخرند و همین امر باعث می‌شد تا این اثر بارها انتشار یابد و در نتیجه اهتمام بیشتری به تصحیح و بازبینی و رفع نواقص آن صورت پذیرد.

۴. از نگاه فرهیختگان حوزه

۱-۴. گلبایگانی (قده)

در اواخر دوران حیات آیت‌الله بروجردی (قده)، جلد اول از این مجموعه عظیم به چاپ رسید و بازبینی و چاپ بقیه آن به دوره بعد از حیات ایشان احاله شد. ایشان تدوین این مجموعه را بالاتر از تمام خدمات خود می‌دانست و می‌فرمود: «این کتاب حاصل عمر من است!»

او چند روز قبل از وفاتش، از نزدیک شدن زمان ملاقات با ربّ الارباب خبر داد و مدام از کاستی و ناچیزی ره توشه اظهار تأسف می‌کرد. وقتی که نزدیکان و همراهان، خدمات بسیار زیاد ایشان را در رونق دادن به حوزه‌های علمیه، ایجاد وحدت میان شیعیه و سنی و اعتلای کلمه حق متذکر می‌شدند، می‌فرمود: «همه کارهایی که کرده‌ام، در برابر عظمت پروردگار بزرگ و نعمت‌های فراوان او بر من، بسیار کم و ناچیز است.»

حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قده) می گوید:

شما به برکت توفیق بزرگ خداوند متعال، موفق به تدوین این اثر عظیم یعنی جامع احادیث شیعه شدید؛ کتابی که نمره اخروی آن در روز قیامت بسیار زیاد و سنگین است. چرا چنین نباشد، با اینکه مداد علما از خون شهدا بالاتر است و شما با این کار خود، کمک بزرگی به علمای اسلام نمودید.

ایشان در پاسخ فرمود:

بله، من تنها به این کتاب امید بسته‌ام تا شاید به برکت آن، مشمول مغفرت و رضای او شوم و از خدا می‌خواهم تا آن را تا روز قیامت، مرجع علمای عامل و فقهای عادل و متبحر و طلاب علوم انمه (ع) قرار دهد.

۲-۴. آیت الله خوئی (قده)

بعد از وفات آیت الله بروجردی (قده) و با تلاش پی‌گیر حضرت آیت الله ملایری، جلدهای بعدی این اثر به تدریج آماده چاپ شد. حضرت آیت الله خوئی (قده) با روی گشاده از این حرکت مبارک استقبال و هزینه چاپ آن را پرداخت کرد. ایشان در این خصوص تعلیقه‌ای دارد که زینت بخش مجلدات این اثر ماندگار است. ترجمه متن دست‌نوشته ایشان از این قرار است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خيرته من خلقه محمد وآله الطيبين الطاهرين واللعنة الدائمة على أعدائهم أجمعين. اما بعد؛ از آنجا که کتاب «جامع احادیث شیعه»، که به امر حضرت آیت الله العظمی، بزرگ طائفه شیعه حاج سیدحسین طباطبایی بروجردی (قده) تألیف شد. یگانه در نوع خود و زیبای در روش تدوین است. او مشقت این کار ماندگار دینی را با سعه صدر و همت بلند، به جان خرید. خداوند او را

غریق رحمت خویش گرداند و بر درجانش بیفزاید و بهترین جزای نیکوکاران را به او عنایت کند؛ همان‌طور که از خداوند طلب توفیق و اجر فراوان و ستایش ستوده برای علمای عاملی می‌کنم که در تألیف این کتاب دینی ارزشمند، تحت اشراف او، سهیم شدند و تلاش خود را در آن بذل کردند تا اینکه آن را به وجود آوردند. از جمله کسانی که تمام تلاش خود را در به ثمر رساندن این کتاب به کار بست، علامه محقق حجت الاسلام حاج شیخ اسماعیل معزی ملایری (دامت برکاته) است. بدون تردید او خودش را در تدوین این کتاب و ترتیب آن خسته کرد تا توانست آن را با بهترین و کامل‌ترین سبک و نظام آماده کند. پس باید از او به خاطر تلاش پی‌گیرش در این خدمت دینی بزرگ تشکر کرد و از خدای متعال می‌خواهم تا بهترین پاداش را عنایت کند و او را در آماده کردن بقیه مجلدات آن توفیق دهد. کتاب طهارت و بخشی از کتاب صلوات آن چاپ شده است و از آنجا که این کتاب مورد تقدیر و اهتمام من بود، مخارج چاپ و نشر بقیه اجزای آن را پذیرفتم تا خدمتی برای دین و برپایی مذهب باشد. الحمدلله به خاطر تحقق بخشیدن به آرزوها در چاپ برخی از اجزای باقی مانده خداوند را حمد می‌کنم و از خدا توفیق چاپ بقیه جلدها و اتمام و تحقق این کار دینی را می‌خواهم که او صاحب توفیق و رستگاری است. الحمدلله برای شروع و برای اتمام.

خوئی

تاریخ ۱۲ جمادی الثانی سال ۱۳۹۷ هـ. ق ۵۱

۵۱. این بیانات در صفحات اول مجلدات جامع احادیث شیعه با دست خط معظم له آورده شده است.

۳-۴. حضرت امام(قده)

حضرت امام خمینی(قده) که تدریس درس خارج فقه را براساس این کتاب انجام می داد، در نجف به آقای ملایری توصیه می کند که تمام وقت خود را صرف تدوین و تکمیل این کتاب کنند. ۵۲

۴-۴. آیت الله سیدمحمدباقر سلطانی طباطبایی(قده)

ایشان می گوید:

با این کوشش ها، درس فقه ایشان بسیار عالی می شد و باعث تحول در رشته فقهت گردید. شاگرد درس ایشان احساس می کرد که در دانش فقه، نیاز دارد به تسلط بر لغت، رجال، اسانید، روایات و کتاب های مربوط. کتاب «جامع احادیث الشیعه» هم، در پی این کوشش ها و دقت ها به وجود آمد. ۵۳

۵-۴. آیت الله میلانی(قده)

مرحوم آیت الله میلانی(قده) معتقد بود که جامعیت این کتاب باعث شده تا هر روز پنج ساعت از وقت تحقیق و مطالعه درسی اش صرفه جویی شود. ۵۴

۶-۴. شهید مطهری(قده)

ایشان گفته است:

معظم له مکرر در ضمن اعتراف به پاره ای از محاسن کتاب معروف وسائل الشیعه، تألیف شیخ عاملی، نواقص کتاب را تذکر می داد و آرزو می کرد که کتابی در حدیث نوشته شود که محاسن وسائل الشیعه را داشته باشد، اما نواقص آن کتاب را

۵۲. به نقل از سایت حوزه نیوز به آدرس اینترنتی WWW.hawzahnews.ir تحت عنوان

«جامع احادیث الشیعه»؛ یادگار ارزشمند آیت الله العظمی بروجردی(قده).

۵۳. مجله حوزه، شماره ۴۳-۴۴، مصاحبه با آیت الله محمدباقر سلطانی طباطبایی.

۵۴. به نقل از سایت حوزه نیوز به آدرس اینترنتی WWW.hawzahnews.ir تحت عنوان

«جامع احادیث الشیعه»؛ یادگار ارزشمند آیت الله العظمی بروجردی(قده).

نداشته باشد. بالآخره این آرزو جامعه عمل پوشید و تحت نظر و مراقبت خود معظم‌له، عده‌ای از فضلا طلاب به این کار مشغول شدند و در حدود ده سال طول کشید تا بالآخره در دو-سه سال قبل به اتمام رسید و از سال گذشته، طبع آن کتاب آغاز شد. این کتاب موسوم است به تهذیب الوسائل. خیلی موجب تأسف خواهد بود اگر خدای نخواست طبع این کتاب متوقف شود! من شخصاً هنوز موفق به زیارت آن کتاب نشده‌ام، ولی از قراری که از اهل اطلاع شنیده‌ام، همان طوری است که معظم‌له آرزو می‌کرد. ۵۵

۷-۴. آیت الله جعفر سبحانی (حفظه الله)

ایشان می‌نویسد:

«جامع احادیث شیعه» تألیف گروهی متشکل از فضلاء حوزه علمیه، تحت نظارت مرجع بزرگ دینی و محقق آگاه سیدحسین طباطبایی بروجردی (۱۲۹۲ - ۱۳۸۰ هـ. ق) است. این جامع از کارهای خوب روزگار شمرده می‌شود. و ضخیم‌ترین جامع فقهی شیعه در دوره اخیر است که به خاطر تبویب و ترتیب و تنظیم و هماهنگی نیکو، بر سایر جوامع برتری یافته و تمام احادیث موجود در کتب اربعه و وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل و غیر آنها از سایر کتب حدیثی را دربر گرفته است؛ به گونه‌ای که فقیه را از مراجعه به سایر جوامع فقهی بی‌نیاز می‌گرداند.

خداوند از کوشش استاد بزرگمان سیدحسین بروجردی و سایر شاگردانش، به خاطر این کار پسندیده ارزشمند قدردانی

کند و همین طور از عالم محقق پی گیر حاج شیخ اسماعیل
ملایری، به خاطر تلاش های فراوان در چاپ این جامع به
شکلی زیبا در ۲۶ جلد که تعداد احادیث آن به پنجاه هزار
روایت می رسد. ۵۶

۴-۸. آیت الله مکارم شیرازی (حفظه الله)

ایشان در بحث از اینکه ائمه (ع) تمام علوم خود را از رسول خدا (ص)
گرفته اند، به روایات جامع احادیث شیعه استناد می کند و از آن به «الکتاب
القیم؛ کتاب وزین» تعبیر می کند: «رویت فی الکتاب القيم جامع احادیث
الشیعة باسنادها». ۵۷

نتیجه گیری

آیت الله بروجردی در دوران جوانی، به ضعف های وسائل الشیعه توجه داشت
و بعد از آمدن از قم و استقرار مرجعیت و فراهم شدن زمینه های لازم برای
محقق کردن آرزوی دیرین خود در نگارش اثری نو که ضعف های این کتاب در
آن برطرف شده باشد، اقدام کرد.

نگارش کتاب چندین مرحله را پشت سر گذاشت که از این قرار است:
مرحله تهذیب وسائل الشیعه، مرحله تدوین جامع احادیث شیعه، مرحله
تدوین جامع احادیث شیعه و سنی که ناتمام رها شد، مرحله تصحیح و
بازبینی، مرحله تکمیل که بعد از وفات آیت الله بروجردی انجام گرفت.

این کتاب در تحقق آرمانهای خود و برطرف کردن ضعف های وسائل
الشیعه بسیار موفق بوده است و تا حدود زیادی فقیه را از مراجعه به هر کتاب

۵۶. مصادر الفقه الإسلامی و منابعه، جعفر سبحانی، ص ۳۶۷، بیروت،
دارالأضواء، ۱۴۱۹ ق، چاپ اول.

۵۷. بحوث فقهية هامة، ناصر مکارم شیرازی، ص ۵۱۹، مدرسه امام علی بن
ابی طالب (ع)، ۱۴۲۲ ق، چاپ اول.

حدیثی بی نیاز می‌کند.

۱۹۵

فقه

جامع احادیث شیعه: امتیازها و ضعف‌ها و روش استفاده از آن

مهم‌ترین ویژگی‌ها و امتیازات جامع احادیث شیعه عبارت است از: جامعیت و شمول بیشتر روایات فقهی پراکنده در کتب حدیثی، عدم تقطیع، دقت فراوان در نقل‌ها، تلفیق روایات مشابه از حیث سند و متن، ابتکار در افزودن ابوابی تحت عنوان مسائل اصولی و جمع‌آوری تمام روایات مربوط به آنها، جدا کردن روایات آداب و اخلاق در جلدی مجزا و نجات آن از آشفتگی، جامعیت احادیث باب نسبت به عنوان آن و ممانعت از تقطیع افراطی احادیث در ابواب مشتت، تبویب براساس ترتیب عقلایی و شرعی موضوعات، چینش احادیث در داخل ابواب براساس اصول عقلایی، ارجاع به احادیث ابواب دیگر که به نحوی با موضوع مرتبط باشد.

مهم‌ترین دلایل استقبال سرد حوزه از این کتاب، معرفی نشدن آن به جامعه علمی، شیفتگی مفرط به آثار گذشتگان و فقدان روحیه ایثار و شهامت علمی است.

کتاب حاضر با وجود اینکه هر خواننده منصفی را به شگفتی وامی‌دارد، خالی از ضعف‌ها و انحراف از غرض اولیه نیست که ضعف‌های آن عبارت است از: مشخص نشدن «عدة من اصحابنا» در اسناد کافی، مشخص نکردن افتادگی‌های احادیث «من لایحضره الفقیه» و تهذیب الاحکام، غفلت در اسناد برخی از احادیث به مصادر اولیه و اسناد آنها به وسائل و مستدرک، با اینکه اسناد کامل آن در مصادر اولیه وجود دارند.

در پایان، بهترین سلام‌ها و تحیات خود را به روح پرفروش عالم ربانی و مرجع پرتلاش و خدوم حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی (قده) و نیز عالی‌ترین سلام‌ها و درودها را برای حضرت آیت‌الله ملایری (قده) تقدیم می‌کنم؛ کسی که با وقف خود در به ثمر رساندن این اثر، بیشترین نقش را ایفا کرد.